

خیانتها و فضاحت‌های رژیم در مراجع حقوقی بین‌المللی

- * بخشش یک میلیارد دلاری به فرانسه
- * بر سر دعوی ایران علیه آمریکا در دادگاه لاهه چه آمده است؟
- * برخی ماجراهای پشت پرده

در هفته گذشته حسین موسوی نخست‌وزیر یکبار دیگر مسئله یک میلیارد دلار طلب ایران از فرانسه را مطرح ساخت و تاکید کرد که این زمینه اختلاف میان دو دولت باید حل و فصل شود. اما چگونه؟ آیا موسوی در جستجوی حل این اختلاف مالی بسود مردم ایران است؟ بیگمان از رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی نمی‌توان چنین انتظاری داشت. اکنون سر نوشت این رقم هنگفت از مطالبات خارجی دولت ایران با بندوبستهای سیاسی میان رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های فرانسوی گره خورده است. دولت

ایران به مقابله گامی در همین راستا و به منظور جلب عنایات انحصارات فرانسوی پذیرفته است که سر نوشت یک میلیارد دلار طلب ایران از کمیساریای انرژی اتمی فرانسه با داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس تعیین شود. از پیشتر می‌توان دریافت که نتیجه این "داوری" چگونه خواهد بود. برای این بخش از سرمایه‌های مردم همان سراجامی را تدارک دیده‌اند که برای ۱۴ میلیارد دلار اموال بلوکه شده ایران توسط دولت آمریکا تدارک دیده بودند.

بقیه در صفحه ۸



دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۲۰ مه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۷

اهواز نیز به پا خاست! رژیم وحشزده است

تظاهرات و خیزشهای مردمی علیه رژیم و علیه جنگ همچنان ادامه دارد. بعد از تظاهرات ۱۲ آبان از دیگر محلات تهران نیز خبر رسید که مردم برخاسته‌اند. شهرستانهای مختلف نیز به همینسان. همدان، اندیمشک، دزفول، تبریز، مشهد، اصفهان، خرم‌آباد، بروجرد... و اکنون خبر از اهوازی رسید: در روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته مردم اهواز به مصاف با رژیم برخاستند، نیروهای سرکوبگر وحشیانه بر سر مردم ریختند و اینبار نیز به روی توده ستمدیده ای که از دویلهای هم تبار رژیم و جنگ به تندی آمده‌اند، آتش گشودند. باز هم کسانی کشته شدند، جمع بسیاری زخمی گردیدند و عده ای نیز به سیامچالها افتادند. اما اعتراض همچنان ادامه دارد، چه در اهواز و چه در نقاط دیگر.

خیزش مردم اهواز در زمانی رخ داد که هنوز رژیم بر اثر تظاهرات گسترده مردم جنوب شهر تهران در محله ۱۲ آبان آشفته و سراسیمه بود. این آشفتنگی و سراسیمگی را به عیان می‌شد از خلال واکنشهای

بقیه در صفحه ۲

موضع مشترك احزاب کمونیست عراق و ترکیه در باره موافقتنامه ضد کردی بغداد-آنکارا

بنا به اخبار منتشر در هفته گذشته، رژیم نظامی ترکیه در هماهنگی با رژیم ضد مردمی عراق در تدارک حمله قریب الوقوع دیگر، به خاک کردستان عراق است. حملات گذشته ارتش ترکیه به کردستان عراق، تلفات و ویرانی‌های بسیاری ببار آورده بود. اکنون این دو رژیم جنایتکار خود را برای جنایات تازه‌تری آماده می‌کنند.

برای آشنائی خوانندگان با تونله مشترك رژیمهای عراق و ترکیه علیه جنبش ملی کردستان مقاله زیر را به نقل از نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" (شماره ۴ سال ۱۹۸۵) منتشر می‌نمائیم. این مقاله توسط کاتلم حبیب عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و علی ایلری عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه نوشته شده است. این دو آن در عین حال نماینده حزبشان در هیئت تحریریه نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" هستند.

ترکیه و عراق در سال ۱۹۸۲ یک موافقتنامه سری به امضا رساندند که احتمالاً مهمترین نکته آن این بود که نیروهای دو دولت حق دارند تا نزدیکی به ۱۷ کیلومتر به خاک و حریم هوایی کشور همسایه رخنه کنند. بعنوان دلیل، از این "استدلال" کهنه استفاده شد که باید با "اقدامات عناصر خرابکار" مقابله نمود. اما در حقیقت، مسئله بر سر بیگرد و تجاوزیل دادن متقابل نیروهای اپوزیسیون مسلح میهن پرست در دو کشور است.

بقیه در صفحه ۱۲

در این شماره:

شکوفایی، رفاه و بهروزی:

ارمغان سوسیالیسم برای مردم مجارستان

در صفحه ۱۲

نقشه‌های هیتلر برای تصرف ایران

در صفحه ۱۴

از میان نامه‌ها

در صفحه ۱۰

سیاست مالیاتی جمهوری اسلامی به سود چه کسانی است؟

دولت جمهوری اسلامی با بحران کم سابقه و حاد اقتصادی و مالی مواجه است. کاهش قیمت نفت و کاهش میزان صادرات آن، کاهش سریع صادرات غیر نفتی، بانضمام افزایش سرسام آور بودجه نظامی و انتظامی و رشد شتابان هزینه‌های جاری و اداری مملکتی، باعث شده است که دولت به افزایش بازهم بیشتر مالیات‌ها روی آورد. در لایحه بودجه سال ۶۴، میزان در آمد دولتی از مالیات‌ها بالغ بر ۱۱۲۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است، و این رقم چند برابر میزان مالیاتهای سال ۵۹ می‌باشد.

سران جمهوری اسلامی سیاست مالیاتی را تماماً بزبان توده‌ها تنظیم کرده‌اند. عبارت دیگر، حکام جمهوری اسلامی از حقوق و در آمد ناچیز توده‌ها،

بقیه در صفحه ۳

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۶

بشریت ترقیخواه، جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند

به جنگ ایران و عراق خاتمه داده شود
ستقار کنندگان ۱۱ آوریل تهران، آزاد کردند

اقدام مشترك ایرانیان و عراقی‌ها علیه جنگ

از سوی فدائیان خلق، توده ایها و هواداران حزب کمونیست عراق در روز ۲۱ فروردیس در شهر ارمشتات آلمان فدرال یک نمایشگاه عکس دایر گردید. در این نمایشگاه که به نمایش حاصل کار خیانتها و جنگ نملی‌های دورژیم ارتجاعی ایران و عراق اختصاص داشت، صحنه‌هایی از اقدامات نفرت انگیز این دو رژیم در ویرانی و کشتار و آوارگی به نمایش گذاشته شد. وضعیت زندانیان سیاسی ایران و شکنجه و قتل آنان نیز در معرض دید عموم قرار داده شد. این نمایشگاه مورد بازدید مردم قرار گرفت. بازدید کنندگان این دورژیم را محکوم کردند. بقیه در صفحه ۲

اعلام همبستگی با تظاهرات ۱۳ آبان

از سوی ماریوکایانا دبیر اول "دمکراسی بر ولتاریا" و رئیس گروه پارلمانی "دموکراسی پرولتاریا" در پارلمان ایتالیاییانیه ای در مورد اوضاع ایران صادر شد. در این بیانیه ضمن بر سر مردن مصائب جنگ بین ایران و عراق و محکوم ساختن ادامه این جنگ از جمله آمده است:

"... اخیراً از تظاهرات چندین هزار نفری، ضد جنگ و برای صلح که در تاریخ ۱۱ آوریل در تهران روی داد مطلع شدیم... ما ضمن پشتیبانی از خواست بحق صلح از سوی مردم، انزجار خود را از تدابیر اختناقی و ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌داریم و آن را محکوم می‌کنیم. همچنین خواستاریم که:

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رفیق ایرج اسکندری درگذشت



با اندوه فراوان اطلاع یافتیم که رفیق ایرج اسکندری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۴ زندگی را بدرود گفته است.

درباره این حادثه تاسفبار کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاعیه ای صادر نمود. در بخشی از این اطلاعیه دربارتکری زندگی رفیق اسکندری آمده است:

"رفیق اسکندری در سال ۱۳۱۶ با گروه پنجاه و سه نفر بازداشت شد و به ۵ سال زندان محکوم گردید. بعد از آزادی از زندان در سال ۱۳۲۰ رفیق اسکندری یکی از بنیانگذاران حزب توده ایران بود. او در کنگره اول حزب در سال ۱۳۲۲ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و این سمت را تا پایان زندگی حفظ کرد. بعد از یورش وسیع ارتجاع به حزب توده ایران و سایر سازمانهای مترقی، در سال ۱۳۲۵، رفیق اسکندری مجبور به جلائی وطن شد. در سالهای دوری از ایران، رفیق اسکندری به فعالیت سیاسی خود ادامه داد.

رفیق اسکندری در کنار فعالیت سیاسی، اوقات محدود فراغت خود را به کارهای پژوهشی و علمی می گذراند. ترجمه فارسی کتاب کاپیتال اثر دورانتز کارل مارکس، که بخش اعظم آن انتشار یافته، و بخش دیگری آماده چاپ است، از محصولات این رشته از فعالیت اوست."

بهیمنی نفس کش می طلبد که "چه کسی می گوید ما باید صلح کنیم؟"

این سراسیمگی ها از چه چیزی حکایت می کنند جز پوشالی بودن بنای حکومت؟ این همه تشقت ها و آشفتگی ها دلالت بر وجود هزاران ترک در بنای رژیم جمهوری اسلامی دارند که با هر نهیبی و هر حرکتی و هر خیزشی، عمیقتر و عمیقتر می شوند.

شواهد حاکی از آنند که رژیم در صدد "چاره" جویی بر آمده است. به قول سرمقاله نویس روزنامه اطلاعات، ارگانهای مختلف امنیتی و انتظامی و نظامی و اطلاعاتی و خبری، می خواهند از این پس "سربخ" و "ماهنگ" عمل کنند. لازمه این کار آن است که ترکها "بند کشی" شوند. اما کاردیگر از این کارها گذشته است. جنبش فرصتی باقی نخواهد گذاشت. جنبش می توفد و ترکها عمیقتر از آنند که بتوان آنها را با ساختن ترین ساروجها نیز بر کرد.

بشریت ترقیخواه، جمهوری اسلامی را محکوم می کند

بقیه از صفحه اول

راهپیمایی در سوئد



گزارش
تظاهرات که با شرکت
هواداران
فدائیان خلق ایران
(اکثرت) در سوئد در
اعتراض علیه جنگ و
بمباران مناطق مسکونی
سوت پذیرفت قبلا در
نشریه درج شده بود.

جشن پیروزی خلق ویتنام در برلین

دهمین سالگرد پیروزی خلق ویتنام در برلین غربی جشن گرفته شد. این جشن که عرصه تجلی همبستگی بین المللی با انقلاب ویتنام بود با برنامه های متنوع هنری نیز همراه بود. پیام سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در آلمان دمکراتیک نیز در این جشن خوانده شد و با ابراز احساسات شدید حضار رو برو گردید.

فدائیان خلق در برلین غربی نیز در این جشن شرکت داشتند و پیام آنان به این جشن، توسط یکی از مجریان ویتنامی برنامه ها خوانده شد.

صلح، ضرورتی مبرم



دزکنگره جوانان کمونیست اتریش

روزهای ۲۷ و ۲۸ آوریل چهارمین کنگره جوانان کمونیست اتریش برگزار گردید. این کنگره با حضور ۸۰ نماینده از شهرهای مختلف اتریش و میهمانانی از سازمانهای جوانان کشورهای مختلف اتحادیه جهانی جوانان دمکرات برگزار گردید.

متن پیام ارائه شده از سوی جوانان فدائیان خلق در اتریش به چهارمین کنگره جوانان کمونیست اتریش در جریان کنگره توسط یکی از مجریان آن برای شرکت کنندگان خوانده شد که طی آن رژیم خمینی شدیداً محکوم گردید.

از سوی کمیته یونانی برای صلح جهانی هیاتی برای اعتراض به ادامه جنگ و اعلام خواست برقراری فوری صلح به سفارتخانه های ایران و عراق مراجعه نمود این هیات مرکب بود از: دبیر کل هیات صلح روشنفکران و هنرمندان روزنامه نگار، دبیر کمیته یونانی برای صلح جهانی، یک استاد دانشگاه، یک کشیش و یک نقاش و یک هنرپیشه.

این هیات اعتراض نامه هایی به سفارتخانه های دو کشور تحویل دادند که در آنها تترانی عمیق خود را بخاطر ادامه قتل عام و بمباران شهرها ابراز داشتند. این اقدامات در روزنامه های مترقی یونان نیز بازتاب داشته است.

اهواز نیز به پا خاست!

رژیم وحشترده است

بقیه از صفحه اول

گونگون و بهم ریخته مقامات حکومتی در قبال تظاهرات محله ۱۲ آبان، مشاهده کرد.

سرکوب، بگرو بوبند، اوپاشی گری و چماق کشی به بهانه مبارزه با بی حجابی و بد حجابی، تناقض کویبی های مکرر، دروغ بافتن و بهتان زدنهای دم به دم، به یکدیگر، کسبیل داشتن دروغبافان و فریبکاران حرفه ای همچون حجازی به محله ۱۲ آبان برای ایراد سخنرانی های آنچنانی، صحبت های یکی از مسئولین سپاه پاسداران در تلویزیون که این حرکت سیاسی بوده و جمعیت علیه پاسدارها نیز شعار داده اند و سپس تکذیب این گفته از سوی مقامات... همه اینها نشانه چیست؟

ناظم نوری، وزیر کشور، می گوید در محله ۱۲

آبان ۲۰۰ فدائی، توده ای و مجاهد دستگیر شده اند، موسوی نخست وزیر این سخن را تکذیب می کند، سالک، قائم مقام کمیته ها گوشه ای از ابعاد تظاهرات را بر ملا می کند، رفسنجانی، رئیس مجلس در نماز جمعه به انکار آن بر می خیزد، روزنامه اطلاعات خبر را تیر می کند، روزنامه جمهوری اسلامی انتساب خبر را به وزیر کشور مردود می شمارد، بی دربی گردهمایی های امنیتی برپا می شود، ری شهری، رئیس ساواک جمهوری اسلامی شتابان نزد خمینی می رود، از نزد این وزیر به دفتر آن رئیس می شتابد، سرمقاله نویس روزنامه اطلاعات روزهای متوالی بحر طویلی در توجیه حادثات و برای عبرت آموزی بروق پاره خود می نگارد و بالاخره خمینی که از شنیدن خبر تظاهرات ضد جنگ و ضد رژیم سخت غضبناک شده در سخنرانی نیمه شعبان خود با حالتی

بقیه از صفحه اول
مالیات می گیرند و نه از سوده های هنگفت و نجومی سرمایه داران و صاحبان ثروت. بنا به اعترافات پاره ای از دست اندرکاران حکومتی، تنها اخذ مالیات بانرخ متوسط و یا حتی حد اقل از سود و درآمد

است در جدول دو، مالیاتهای سالهای ۵۷ الی ۶۴، با تفکیک دو بخش مستقیم و غیر مستقیم مالیاتها، ارائه شده است:
بدیهی است که بخش اعظم پرداخت مالیاتهای غیر مستقیم، که شامل حقوق و عوارضی کمرکی

سیاست مالیاتی جمهوری اسلامی، به سود چه کسانی است؟

صاحبان ثروت و بخش خصوصی، میتوانند بخش اعظم در آمد مالیاتی دولت را تامین نمایند. ولی حکام مرتجع جمهوری اسلامی به غارت و چپاول محرومین مشغول هستند. نگاهی به کم و کیف افزایش سرسام آور مالیاتها بیافکنیم:

بنابه اعتراف یکی از نمایندگان مجلس:
"در آمد مالیاتی نسبت به کل درآمد دولت که در سال ۶۲، ۲۶-۲۵ در صد بوده، در سال ۶۴ به ۲۲-۲۱ در صد می رسد." (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱)

سادگی مشهود است که در آمد مالیاتی دولت تنها در عرض یکسال از ربع در آمد کل دولت به ثلث آن افزایش یافته است. جدول تلفظی زیر، در آمدهای مالیاتی دولت را در فاصله سالهای ۶۴-۵۷ نشان میدهد:

(جدول یک) (واحد: میلیارد ریال)

سال	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲
کل درآمد مالیاتی	۴۷۰	۲۷۰	۲۴۰	۵۵۰	۶۱۰	۸۷۳

این افزایش سرسام آور مالیاتها را با تورم لجام گسیخته و ملج ثابت و نازل حقوق و درآمد توده ها اضافه کنید و آنگاه نتیجه بگیرید. افزایش مالیاتها، موج نارضایتی را در جامعه دامن زده است، بطوریکه نمایندگان مجلس و وزراء، در جلسات بحث بر سر لایحه بودجه سال ۶۴، بارها و بکرات نسبت به عواقب آن هشدار دادند:

"به محدودیت در آمدهای مالیاتی چه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کمتر توجه داریم. در آمدهای مالیاتی چیزی نیست که بشود یکمرتبه چند برابر... در آمدهای مالیاتی ما در سال ۵۹ فقط ۲۴ میلیارد تومان است و آن رقم در سال ۶۲ به ۷۹ میلیارد تومان رسید." (جمهوری اسلامی - ۶۲/۱۲/۶)

آنچه در بطور بالا آمد، افزایش بی رویه در آمدهای مالیاتی دولت بود، اما عین سیاست ضد مردمی و بی عدالتی نهفته در سیاست مالیاتی دولت را باید در این جست که چه کسانی عملاً باید بار سنگین پرداخت این مالیاتها را به دوش کشند و تقبل کنند.

(جدول دو) (واحد: میلیارد ریال)

سال	مالیاتهای مستقیم	مالیاتهای غیر مستقیم
۵۷	۲۷۰	۲۰۰
۵۸	۲۳۰	۱۴۰
۵۹	۱۳۰	۲۱۰
۶۰	۲۲۰	۲۳۰
۶۱	۲۹۰	۲۲۰
۶۲	۲۲۷	۴۶۰
۶۳	۵۱۷	۶۱۳

همچنانکه در فوق اشاره شد، سیاست مالیاتی دولت، تماماً برپایان توده ها و به سود بخش خصوصی

(مالیات بر واردات) و مالیات بر مصرف و فروش می شود. بر عهده محرومین است. چرا که هر گونه افزایشی در مالیات غیر مستقیم، عیناً در قیمت کالاها منعکس می شود. با توجه به اوضاع اقتصادی کشور، تجار و توزیع کنندگان، عملاً بیش از میزان مالیات پرداختی، بر قیمتها می افزایند. تکامی به اقلام جدول فوق نشان میدهد که سیاست مالیاتی دولت در جهت افزایش مالیاتهای غیر مستقیم سیر کرده است. یکی از عوامل اصلی در ناعادلانه بودن سیاست مالیاتی دولت نیز همین رشد فزاینده مالیاتهای غیر مستقیم می باشد. تنها در فاصله سالهای ۶۰ الی ۶۲، مالیاتهای مستقیم ۵ درصد رشد کرده، حال آنکه مالیاتهای غیر مستقیم ۱۰۰ درصد رشد داشته است.

اما بی عدالتی سیاست مالیاتی دولت، تنها به افزایش سرسام آور آن و چند برابر شدن مالیاتهای غیر مستقیم محدود نمی شود. بخش اعظم پرداخت مالیاتهای مستقیم نیز بر عهده مردم قرار دارد. مالیاتهای مستقیم که عبارتند از مالیات بر درآمد و حقوق، نیز علیه مردم و به سود صاحبان ثروت و بخش خصوصی وضع شده اند. سوده های هنگفت و نجومی کلان سرمایه داران و تجار یا بعضاً از پرداخت مالیات معاف می باشند (نمازی، وزیر دارائی - اطلاعات ۶۲/۵/۲۴) و یا مورد اغماض حامیان دولتی شان قرار می گیرند (بانکی - اطلاعات ۶۲/۱۰/۲۸) و یادست آخر با پرداخت مبلغ ناچیزی بعنوان مالیات، شرعی و حلال می شوند. تنها در فاصله سالهای ۶۰ تا ۶۲، میزان مالیات بر درآمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد کل مالیات به ۶/۴۴ درصد کاهش یافت. حکام جمهوری اسلامی که بر میزان مالیات توده ها و محرومین افزوده اند، در مقابل از میزان مالیات بخش خصوصی کسر می کنند!

روایتی سیاست مالی و مالیاتی دولت، گهگاه مسئولین را ناگزیر به اعترافات تکان دهنده ای می کند:

"در بررسی های انجام شده در سال ۶۱، حدود ۲۸ میلیارد تومان در آمدهای بخش خدماتی و بازرگانی بوده، ولی مالیات آنها کجا رفته معلوم نیست؟"

(دکتر بانکی - اطلاعات ۶۲/۱۰/۲۸)
هر گاه از همین یک قلم در آمد کلان بخش خدماتی و بازرگانی، بانرخ متوسط مالیات اخذ می شد، معادل ۲ برابر کل مالیات همان سال بود. اما حکام "سرمایه نواز" جمهوری اسلامی برای پر کردن خلا مالی خود، به غارت و چپاول مردم اهتمام می ورزند. باید خاطر نشان ساخت که بخش اعظم مالیات مستقیم عبارت است از مالیات بر حقوق کارگران و کارمندان و دیگر حقوق بگیران ثابت، و این همه در وضعیتی است که صاحبان مشاغل آزاد بطور متوسطه مراتب کمتر از حقوق بگیران دولتی مالیات می پردازند.

آیا ۴۳۰۰۰ کیلو مواد مخدر را می توان در بدن جاسازی کرد؟
دکتر حسین فخر رئیس شورای عالی پزشکی و مدیر اداره مواد مخدر وزارت بهداشت در تاریخ ۶۲/۱۲/۲۰ طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان به این سؤال که:

"بر اساس گزارش یکی از روزنامه های کشور تعداد معتادان پس از انقلاب چهار برابر شده است، نظر شما چیست؟" چنین پاسخ داد: "طبق شواهد و آمار موجود تعداد افراد معتاد نه تنها افزایش نداشته بلکه پس از انقلاب کاهش نیز داشته است." وی در جای دیگری از مصاحبه اعلام کرد: "مبارزه نیروهای انتظامی با قاچاق مواد مخدر به آنجا رسیده است که مدتهاست کشف حمل قاچاق با اتومبیل به مقدار زیاد گزارش نشده است. که به نظر میرسد اساساً چنین حملی یا وجود ندارد و یا کاهش چشم گیر داشته است. در مناطق مرزی نیز توسط نیروهای انتظامی ما محموله های چندین کیلوگرمی کشف و گرفته میشود که این محموله ها در کیف و یا ساک و یا بوسیله افراد موتور سوار حمل و نقل میگردد و یا اینکه در بدن جاسازی میشود."

اگر به روزنامه کیهان در طول یک هفته قبل از مصاحبه دکتر حسین فخر توجه کنیم به ارقام زیر بر می خوریم:

۶۲/۱۲/۱۲ ۲ هزار کیلو حشیش در کویر

زاهدان از قاچاقچیان بدست آمد...

۶۲/۱۲/۱۶ ۲۶ کیلو تریاک کشف شد...

مجدداهان روز: ۱۲ کیلو تریاک جمعا در زاهدان کشف شد.

۶۲/۱۲/۲۰ توسط پاسداران کمیته انقلاب

اسلامی ورامین محموله ۷۰ کیلو هروئین کشف شد. در طول این یک هفته کشف جمعا ۴۲۱ کیلوگرم مواد مخدر فقط در روزنامه کیهان اعلام شده است. بگذریم از اینکه چندین برابر این مقدار کشف نشده و یا اعلام نگردیده است.

* از آنجایی که این مقدار مواد مخدر را نمی توان در کیف و چمدان حمل کرد و یا در بدن جاسازی کرد و با توجه به این که آقای دکتر حسین فخر گفته اند مواد مخدر با اتومبیل حمل نمی شود می توان نتیجه گرفت که مواد مخدر در جمهوری اسلامی، کامپیون کامپیون حمل و توزیع می شود!

"از مشاغل... اگر حساب کنیم ما متوسطاً ماهیانه ۶۵ تومان توانستیم مالیات بگیریم در حالی که حقوق بگیران دولتی را در نظر بگیریم، اینها ماهیانه مبلغ ۲۶۵ تومان بطور میانگین مالیات پرداخت کرده اند." (کیهان هوایی ۶۲/۱۲/۱۵)

و این چنین است که میتوان گفت قریب به ۹۰ درصد مالیاتها را مستقیم و غیر مستقیم، توده های محروم و حقوق بگیران ثابت کشوری پردازند. سیاست حاکم بر مالیات گیری کشور را بطور فشرده یکی از نمایندگان مجلس چنین تصویر می کند:

"همه چیز دولت را داده اید... اول که دادیم خوردند غیر مستقیم رفت به جیب میلیاردرها... حالا می گوئیم مالیات هم بگیریم، می گوئیم از کارمندی که ماهیانه سه هزار تومان حقوق می گیرد مالیات بگیر... اما آن آقای که روزانه نیم میلیون، یک میلیون، دو میلیون، سه میلیون درآمد دارد... از او مالیات بگیریم." (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱)

از رویدادهای ایران

شرط جمهوری اسلامی برای شرکت در جلسات شورای امنیت

میرحسین موسوی، نخست وزیر، در مصاحبه‌ای که در روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت به عمل آورد گفت اگر شورای امنیت تجاوز عراق را بپذیرد، مادر این شورا شرکت خواهیم جست. وی هم چنین گفت: سازمان ملل و شورای امنیت (بمحکوم کردن کاربرد سلاحهای شیمیایی) برای اولین بار به مساله جنگ، واقع بینانه برخورد کرده‌اند که این برای ما کافی نیست و لازم است واقع بینی بیشتری بکار ببرند. در کل شرکت ما در شورای امنیت مشروط به پذیرش واقعیت‌های جنگ است.

وی در این مصاحبه در مورد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج گفت که با برخی از آنها روابط دوستانه‌ای داریم.

وزیر امور خارجه عربستان هم به تهران رفت

صبح روز شنبه ۲۸ اردیبهشت، شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی برای یک دیدار دو روزه وارد تهران شد و در فرودگاه مهرآباد مورد استقبال گرم ولایتی و چند تن دیگر از مقامات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی قرار گرفت. شاهزاده سعود الفیصل، به منگام ورود به تهران گفت: "من به دعوت آقای ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، برای گفتگو در زمینه مسائل مورد علاقه دو کشور به ایران آمده‌ام. ایران و عربستان دو همسایه باعلاق و روابط تاریخی هستند و این دو همسایه باید مسائل مبتلابه را به خوبی و به طور مرتب بررسی کنند." وی همچنین در مورد هدف از این سفر اظهار داشت مسائلی که در این دیدار مورد بحث قرار می‌گیرد. مسائل مورد توجه دو کشور بویژه روابط دو جانبه و اوضاع منطقه است.

مذکره در مورد جنگ ایران و عراق و مناسبات فیما بین جمهوری اسلامی و دولت پادشاهی سعودی مهمترین دستور کار دیدار شاهزاده سعود الفیصل با مقامات حکومت ایران است.

همه ناظرین سیاسی برای سفر وزیر امور خارجه عربستان به ایران اهمیت فوق العاده‌ای قایل هستند.

سفر یک هیات اقتصادی به ترکیه

سه شنبه هفته گذشته یک هیات اقتصادی جمهوری اسلامی به سرپرستی محمد عاصمی پور، مشاور نخست وزیر، وارد ترکیه شد. این هیات در آنکارا پروتکلی را به امضا رساند که بر مبنای آن به زودی کاربروی پروژه احداث خط لوله نفت و گاز ایران از طریق خاک ترکیه آغاز خواهد شد. توافق بر روی این پروژه در سفر بهمن ماه سال گذشته میرحسین موسوی به آنکارا، بین مقامات دو کشور، حاصل شده بود.

مصاحبه رئیس ساواک ج.ا.ا. با کیهان

روزنامه کیهان در شماره یکشنبه ۱۵ اردیبهشت خود مصاحبه‌ای با ری شهری، رئیس ساواک جمهوری اسلامی (وزارت اطلاعات) به عمل آورده که در آن ری شهری به مسائلی همچون تشکیلات وزارت اطلاعات، دفاتر اطلاعاتی در زندانها و مساله تقاضای بازگشت عده‌ای از مقامات فراری رژیم به کشور، پرداخته است.

ری شهری در این مصاحبه در پاسخ به این سوال که وضعیت سازماندهی وزارت اطلاعات در چه مرحله‌ای قرار دارد گفت: "در این مدت کوتاهی که از عمر این وزارت خانه نوپا می‌گذرد، بیشترین وقت و فرصت مسئولین وزارتخانه و شاید ۹۰ درصد اوقات، صرف سازماندهی آن شده است. از همان ابتدا که مسولیت این وزارتخانه به عهده ما گذاشته شد کمیته‌ای در جنب کمیته‌های مختلفی که برای سازماندهی این وزارتخانه تشکیل شد، تحت عنوان کمیته سازماندهی شکل گرفت که بعدها در چارت تشکیلاتی تبدیل شد به مدیریت طرح و برنامه. کمیته سازماندهی یا مدیریت طرح و برنامه وظیفه‌اش این است که با استفاده از افراد متخصص و افرادی که در این چند سال گذشته در ارگانهای اطلاعاتی کشور خدمت کرده‌اند و تجربه‌هایی در رابطه با سازماندهی پیدا کرده‌اند، برنامه‌ریزی کند و شکل آینده وزارتخانه و شرح وظایف و آئین نامه‌های مدیریت‌ها و ادارات مختلف این وزارتخانه را مشخص کند."

وی در ادامه این موضوع گفت: "در حال حاضر بحمد الله، تقریباً و بلکه تحقیقات چارت تشکیلاتی وزارت اطلاعات در تهران و شهرستانها مشخص شده و معاونتها و ادارات کل این وزارتخانه تعیین شده و مدت کوتاه دیگری لازم است که تکمیل گردد." ری شهری در این مصاحبه در پاسخ به سوالی که

به وضعیت زندانها و زندانیان سیاسی بر می‌گشت گفت ساواک جمهوری اسلامی در هر زندان دفتری تاسیس کرده که وظیفه آن زیر نظر گرفتن زندانیان است. وی گفت اگر قرار باشد کسی آزاد گردد، باید این دفترها با این امر موافق باشند.

در قسمت دیگری از این مصاحبه، خبرنگار کیهان از ری شهری پرسید "اطلاع داریم که برخی از کسانی که در ابتدای برپایی نظام جمهوری اسلامی در رده‌های مختلف فعالیت داشته و بعد به دلایلی به خارج از کشور فرار کرده‌اند، اظهار تمایل کرده‌اند که به کشور بازگردند. نظر شما در مورد چنین کسانی که اکنون علاقمند به بازگشت هستند چیست و با آنها چگونه برخورد خواهید کرد؟"

رئیس ساواک جمهوری اسلامی، در پاسخ به این سوال گفت که این گونه افراد "می‌توانند برگردند آغوش جمهوری اسلامی به روی آنها باز است. حتی توصیه می‌کنیم که برگردند. البته باید به شکلی باشد که اعتراف به خطا بکنند."

مجازات بی‌حجابی

حجت الاسلام موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی به مناسبت آغاز فصل گرما، به کسانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند شدیداً اخطار کرد. وی گفت: "تمام مراجع قضایی، دادگاهها در سراسر کشور و همچنین دادرها، از سوی مؤلف هستند که اگر نیروهای انتظامی با یک متخلفی که رعایت عفت عمومی را نکرده برخورد کردند، با قاطعیت طبق قوانین مدون به آنها برخورد بکنند. طبق ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات آنجا تصریح می‌کند تا ۷۴ ضربه تلاق می‌شود او را تلاق زد. در بعضی موارد از ۶ ماه تا ۲ سال حبس در بعضی از موارد از ۲ سال تا ۱۰ سال، در بعضی موارد به عنوان مفسد فی الارض، کیفر مفسد فی الارض را دارد که همان حکم اعدام است."



رئیس کمیسیون مسکن و شهرسازی مجلس: "من معتقدم که مسکن به طور نسبی در حد نیاز عادی وجود دارد!"

انفجار بمب در خیابان ناصر خسرو

صبح روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت بمبی در خیابان ناصر خسرو منفجر شد که بر اثر آن حداقل ۱۵ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی شدند. دو روز بعد اعلام شد که این اقدام جنایتکارانه کار شاهپرستانی است که برای عراق نیز مزدوری می کنند.

تدریس دروس نظامی در مدارس

از سال آینده یک واحد درسی تازه به دروس دانش آموزان اضافه میشود. این واحد درسی تازه، دروس تئوری و عملی نظامی است. این موضوع را رحمانی مسئول بسیج سپاه پاسداران در سخناری در زاهدان اعلام کرد. وی گفت در این امور با وزارت آموزش و پرورش هماهنگی به عمل آمده است. دانش آموزان یکی از مهمترین منابع تامین نیروی انسانی برای رژیم، به منظور فرستادن به کام غریت جنگ هستند.

تصویب قانون محاسبات عمومی

در جلسه ۱۹ اردیبهشت ماه مجلس، نمایندگان کلیات طرح محاسبات عمومی کشور تصویب کردند. در این جلسه ابتدا میر حسین موسوی، نخست وزیر، توضیحاتی در رابطه با این طرح داد و گفت: "وزرا هیچکدام با این طرح موافق نیستند و نظام اجرایی کشور، اجرای این طرح را برای کشور بیک فاجعه میداند."

قانون محاسبات عمومی، با این قصد تنظیم شده است که برداشتهای دولت را از خزانه تحت کنترل در آورد. میر حسین موسوی، در جلسه تصویب این قانون اظهار داشت: "اکثر فکر می کنید با پیچیده تر کردن قانون ما می توانیم جلوی دزدی و ارتشا را بگیریم، من فکر می کنم این اشتباه است." وی اضافه کرد "متجاوز از ۶۰ گزارش در دیوان محاسبات داریم که اینها حاکمی از تخلف مالی است که صورت گرفته، که مابعد از هزینه کنترل کردیم، حالا ما چقدر افراد را بخواهیم و به پای میز محاکمه بفرستیم."

چند خبر کوتاه

—روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت حجت الاسلام ری شهری رئیس ساواک جمهوری اسلامی به جماران رفت و با خمینی ملاقات کرد. وی در این ملاقات گزارشی از وضعیت، عملکرد و مسائل ساواک جمهوری اسلامی را به اطلاع خمینی رساند.
—جماران تا آخر ماه رمضان تعطیل است. در روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت رئیس دفتر خمینی اعلام کرد که آیت الله خمینی تا آخر ماه رمضان دیدار نخواهد داشت و سخنرانی نخواهد کرد.

—روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت، کاردار جدید فرانسه در تهران با ولایتی وزیر امور خارجه دیدار کرد. در این دیدار ولایتی بر روی علاقه جمهوری اسلامی به تحکیم روابط خود با فرانسه تاکید نمود.



پیروزی کارگران مبارز

کارگران کارخانه آکام فلز پس از ماهها مبارزه، توانستند شرایط مورد نظر خود را برای طبقه بندی مشاغل به مدیریت و وزارت کار تحویل نمایند. کارگران این کارخانه در عین حال نسبت به نحوه پرداخت حق بهره وری معترضند.

محدودیت تازه برای تعاونی های صنوف

در ادامه فشار به تشکل های کارگری، چندی پیش وزارت کار طی بخشنامه ای اعلام داشت که تعاونی های صنوف اگر مطابق نظر مسئولین حق بیمه نپردازند اجازه ادامه کار نخواهند داشت. بدنبال صدور این بخشنامه، در تبریز نمایندگان تعاونی های فلزکاران، خانه سازان، نقاشان، خیاطان، قالی بافان، چرمسازان و کفاشان گرد آمده و ضمن محکوم ساختن این تصمیمات ضد کارگری به تبادل نظر پیرامون چگونگی مقابله با آن پرداختند.

آیا بلندگو خراب بود؟

در مراسم فرمایشی اول ماه مه در ورزشگاه آزادی در حین سخنرانی خامنه ای کارگران شروع به همهمه کردند. در جواب مسئولین انتظامات و اعضا انجمن اسلامی که علت آن را می پرسیدند، پاسخ دادند که صدای بلندگو ضعیف است. گویا این خبر به خامنه ای هم رسانده شد و او از پشت تریبون اعلام داشت هر کس صدایم را نمی شنود از جایش بر خیزد که همه بر خاستند. نغرات انجمن اسلامی که به شدت عصبانی شده بودند خطاب به کارگران گفتند اگر بلندگو خراب است چطور این حرف رئیس جمهور را شنیدید! در حین سخنرانی خامنه ای بسیاری از کارگران ورزشگاه را ترک کردند. مسئولین برای جلوگیری از این کار در وسط مراسم درهای خروجی را قفل کردند.

رژیم خمینی: زمین از آن فتود الهاست

کشزارهای روستای یوسف آباد تبریز که در جریان انقلاب توسط کشاورزان مصادره شده بود اخیراً به مجتهدی، فتودال سابق این روستا مسترد گردید. دهقانان در اعتراض به این اقدام به همه مقامات مراجعه نمودند ولی پاسخ شنیدند که زمین شرعاً مجتهدی است و شما هیچ حقوقی ندارید.

ولخرجی های اشرار افغانی در تهران

سرکردگان اشرار افغانی که از محل "کمک" های آمریکا و فروش مواد مخدر میلیونی شده اند در تهران دم و دستگاه عریض و طویلی برای خود برپا نموده اند. آنها تعدادی از باغ های منطقه شیر پاستوریزه

تهران را (در جاده مخصوص کرج) خریداری کرده و در آنها به خوشگذرانی مشغولند. این ضد انقلابیون در کمیته و بسیج هم کار می کنند. مردم محل از این وضعیت خشمگین هستند.

اعتصاب کارگران افغانی

شرکت آرام که یکی از پیمانکاران شهرک اکباتان است به مدت ۵۰ روز از پرداخت دستمزد کارگران و استادکاران سرباز زد. کارگران ساده این شرکت همگی افغانی هستند. آنها در اسفند ماه برای کسب دستمزدهای معوقه دست به اعتصاب زدند و کمی بعد استادکاران ایرانی نیز به آنها ملحق شدند. کار فرما که در آغاز میخواست کارگران افغانی را دسته جمعی اخراج نماید پس از پیوستن استادکاران به اعتصاب ناگزیر به عقب نشینی شد و خواسته آنان را پذیرفت.

درگیری مسلحانه در بلوچستان

در منطقه فوج در بلوچستان چندی پیش زد و خورد سنگینی میان گروهی از مردم بلوچ و نغرات مسلح سپاه پاسداران در گرفت. در این درگیری که مدتی به درازا کشید پاسداران متحمل تلفات سنگینی شدند. رقم تلفات آنها تا هشت نفر بر آورد شده است. علاوه بر آن یکی از خودروهای سپاه نیز منهدم شد.

دانش آموزان علیه رژیم

تهران- در مدارس کشور از نمره انضباط دانش آموزانی که در سر صف شعارهای ارتجاعی رانگار نکنند و یا فرم لباسهایشان مطابق الگوی مورد نظر مسئولین آموزش و پرورش نباشد، کاسته می شود. با وجود اینکه نمره انضباط برای قبولی در کتکور اهمیت بسیاری دارد، دانش آموزان تسلیم خواسته های ارتجاعی مقامات نمی شوند. مثلاً نمره انضباط ثلث اول همه دانش آموزان مدارس روشنگر و مطهری واقع در منطقه ۱۲ (مرکز تهران) کمتر از ۱۲ بوده است. تنها به اعضا انجمن اسلامی نمرات بالا تعلق گرفت. در برابر اعتراض اولیا این دانش آموزان پاسخ دادند که هرگاه فرزندانمان "شاعر اسلامی" را مراعات نمایند، نمره انضباط ثلث اول اصلاح خواهد شد.

در همین مدرسه مطهری، بود که چند ماه قبل عده ای از دانش آموزان را برای، تعلیمات مذهبی به بهشت زهرا برده و وادار کرده بودند در قبرها دراز بکشند که منجر به شوکه شدن تعدادی از آنان شده بود. شکایت والدین دانش آموزان به مقامات قضایی در اعتراض به این اقدام، تاکنون هیچ نتیجه ای ببار نیاورده است.

مجازات زندان بخاطر نوشتن انشا

میناب- در یکی از دبیرستانهای شهر میناب دانش آموزی انشائی با عنوان "اجتماع" نوشته و در کلاس میخواند. از آنجا که مطالب نوشته شده در قالب نغرات رسمی و ارتجاعی جانی گرفت، سپاه پاسداران این دانش آموز نوجوان را دستگیر و زندانی ساخت.

سازمان در دبیرستان پیشاهنگ بر روی دیوار نصب شد. دانش آموزان گرد آن جمع شدند. اعضای انجمن اسلامی سراسیمه آمده و آنرا کردند. موضوع را به کمیته اطلاع دادند. بازجویی و تفتیش مفصلی به عمل آمد.

اکنون اعضای انجمن اسلامی به دقت همه جا را می پابند. حتی برای جلوگیری از شعار نویسی برای دستشویی هانیز نگهبان گذاشته اند.

چسباندن تراکت بر روی دیوار انعکاس زیادی در میان همه دانش آموزان یافت. " * ... در دبیرستان دخترانه ارشاد، در روز ۱۱ اردیبهشت هواداران سازمان حدود ۱۲۰ اعلامیه اول ماه مه را در حین تعطیل مدرسه از پنجره یکی از کلاسها به خیابان ریختند. دانش آموزان اعلامیه ها را از دست یکدیگر می گرفتند و بلند بلند می خواندند. پس از مدت کوتاهی گشت کمیته سر رسید. ماشین اول که آمد بای سیم ماشین دیگری را نیز خیر کردند.

پاسد ارها به وسط بچه ها آمده و اعلامیه ها را از دست آنها گرفته و پاره می کردند. آنها از بچه ها بازجویی می کردند که اعلامیه ها از کجا ریخته شده. به داخل مدرسه رفته همه جا را گشتند و از معلمین نیز بازجویی کردند. هر کس به آنها یک جوابی می داد. بعضی ها می گفتند کار یک موتور سوار بوده است. جالب است که حتی پاسداران به انجمن اسلامی هانیز مشکوک شدند. علت آن بود که چند نفر از آنها دیرتر از بقیه دانش آموزان از مدرسه خارج شده بودند. "

* انعکاس پخش اعلامیه در میدان امام حسین:

" ساعت ۶/۵ غروب روز یکشنبه اول اسفند در میدان امام حسین ابتدای خیابان آستانه تعداد کثیری اعلامیه در رابطه با اعتصاب کارگری از سوی رفقا پخش شد. پخش از بالای یک ساختمان صورت گرفت.

مردم فوراً جمع شدند. عکس العملها به این ترتیب بود: بعضی با اشتیاق اعلامیه ها را برداشته و سریعاً در جیب گذاشته و دور می شدند، کسانی بودند که اعلامیه را می خواندند و به دیگران می دادند و یا دوباره روی زمین می انداختند، عده کمی نیز تا می دیدند اعلامیه است ترسیده و دور می شدند. جالب تر از همه عده ای بودند که فوراً مشغول بحث می شدند.

من کنار یک مغازه ایستاده بودم که مشرف به کل صحنه باشم. شنیدم که صاحب مغازه از کسی که فکر می کنم شاگردش بود پرسید: چه خبره؟ شاگردش جواب داد اعلامیه پخش کرده اند. صاحب مغازه پرسید اعلامیه چی؟ جواب شنید اعلامیه انقلابی! باز پرسید: مال کیه؟ شاگردش جواب داد انکار مال کارگر است، زیرش هم نوشته فدایی.

دقایقی چند نگذشته بود که دو پاسدار موتور سوار به محل پخش آمدند و شروع به پراکنده ساختن مردم و جمع آوری اعلامیه ها کردند. حالت شتابزده آنها که پشت سر هم دولا و راست می شدند تا اعلامیه ها را جمع کنند و در همان حال فحش می دادند و به مردم تهنیت می زدند، صحنه خنده آوری را ایجاد کرده بود. ورود آنها به صحنه، جمعیت را پراکنده ساخت. در عوض عاملی شد که مردم بیشتری جمع

شوند. یک دستفروش با آب و تاب برای دیگران موضوع را تعریف می کرد. هر وقت که کسی از او می پرسید چی شده؟ او جریان را به یک شکل شرح می داد و هر بار با غلوهای بیشتری.

یک نفر با دیدن حالت ترسان شتابزده پاسداران رویه خود من کرد و گفت اینها چرا از چند تا کاغذ می ترسند؟ چرا اینطور دیچار هول و ولا شده اند؟ او سپس بلند بلند خندید.

چند دقیقه بعد از آمدن دو پاسدار سرو کله مامورین کلانتری و شهربانی منطقه پیدا شد. ماشین گشت کمیته هم که یک پیکان شخصی بود، کمی بعد سر رسیده آنها دو دسته شدند یک عده مردم را متفرق می کردند و بعضی ها را می گشتند تا اعلامیه ها را به دست آورند و دسته دیگر شروع به تحقیق از مغازه دارها و عابریین برای یافتن عاملین پخش اعلامیه کردند!

من به شکل طبیعی از محل دور شدم و به طرف خیابان انقلاب راه افتادم. در چهار راه نظام آباد هم اعلامیه ای را دیدم که یک نفر روی زمین انداخت و شخص دیگری آنرا برداشت. "

شاهرود

* "در نقاط ورودی و خروجی شاهرود شعارهای سازمان علیه رژیم و علیه تداوم جنگ را با خطر رفتی نوشتیم تا مدت ها مسافرینی که به ست مشهد می رفتند در هنگام ورود به شهر و خروج از آن، این شعارها را می دیدند. "

اصفهان

همزمان با تشدید جنگ شهرها و حمل به مناطق مسکونی که در آن شهر اصفهان بارها شاهد مرگ و ویرانی بر اثر پافشاری ارتجاع بر روی تداوم جنگ بود، رفقای مادر این شهر در سطح وسیعی اقدام به شعار نویسی در رابطه با خواسته مبرم صلح و پخش تراکتها و اعلامیه هایی علیه جنگ نمودند. از جمله اعلامیه هایی که به صورت گسترده ای پخش شد، اعلامیه ای بود با عنوان "بمباران شهرها و کشتار دسته جمعی مردم، نتیجه ادامه جنگ است. "

در کارخانه های اصفهان نیز مقدار زیادی شعار نوشته شد و اعلامیه ها و تراکت های متعددی پخش گردید. شعار نویسی وسیع رفقا در مجتمع فولاد مبارکه انعکاس موثری در میان کارگران داشته است.

تبریز

بریده گزارشهای تبلیغی نمونه وار از چند هسته سازمانی:

* "... حجم پخش مادر دوماه گذشته افزایش بیشتری یافت که موارد آن به تفکیک به ترتیب زیر بود: - تکثیر "کار" از شماره ۱۰ به بعد هر یک ۴۰۰ عدد - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان که در ۲۰۰ نسخه تکثیر کردیم

- پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان به زندانیان سیاسی که در ۲۵۰ نسخه تایپ و تکثیر کردیم. - شابلون تعدادی از شعارها را تهیه کرده ایم که در شعار نویسی از آنها استفاده می کنیم.

- ۸۲ عدد تراکت از چند شعار تهیه و پخش کردیم - به مناسبت ۲۲ بهمن، از نشریه کار شماره ۱۲، مقاله گرامی باد ششمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن را تایپ و به تعداد ۲۰۰ عدد تکثیر و در نقاط موثری پخش کردیم.

- ۵۰۰ اعلامیه ای که در رابطه با زندگی و رزم رفیق شهید منصور پورجم تکثیر کردیم در روزهای نهم و دهم اسفند ماه، در نقاط مرکزی شهر تبریز پخش کردیم. "

* "در روز یکشنبه ۱۲/۱۲/۶۳ ساعت ۵/۴۵ عصر از بالای ساختمان ۱۱ طبقه برلیان واقع در سه راه امین نرسیده به میدان کورش، یک بسته اعلامیه توسط رفقا به میان خیابان پخش شد. اعلامیه ها، تکثیر شده سه مقاله از نشریه کار شماره ۱۲ بودند.

یک رفیق حاضر در صحنه گزارش داد که پس از پخش اعلامیه ها از بالای ساختمان، مردم برای گرفتن آنها هجوم آوردند. ناگهان سرو کله دو نفر پاسدار که لباس شخصی داشتند پیدا شد، آنها تلاش کردند مردم به اعلامیه ها دست نزنند ولی موفق نشدند. پس از چند دقیقه ۲ ماشین گشت ناراله سراسیمه به این منطقه آمد و ساختمان و محوطه اطراف آنرا تحت کنترل گرفت. مردم به این طرف و آن طرف دویدند پاسداران پوزخند می زدند. تنها تعداد کمی از اعلامیه ها به چنگ پاسداران افتاد. بیشتر اعلامیه ها را مردم بردند. "

* "... به مناسبت ۱۷ اسفند روز جهانی زن، مقاله مربوط به این روز را از کار شماره ۱۲ انتخاب کرده و همراه با تراکت تصویر داری که خودمان تهیه کردیم، از هر کدام ۴۵۰ عدد تکثیر نمودیم. "

"... در مسیرهای زیر اعلامیه پخش شد و در فرصت مناسب در نقاط موثر این مسیرها شعار نویسی انجام شد:

خیابان عباسی - یوسف آباد - باغش - سیلاب - شمس تبریزی و سه راه - کوچه ایده لی و چوبلی دره (بازارچه سیلاب) - خیابان خمینی - چهارراه منصور - مارالان - شکلان - سرلک تا چهارراه طالقانی (چرنداب) - کوی ولی عصر - دروازه تهران - خیابان حافظ - چهار راه آبرسان و خیابان آبرسان - شهید جدیری

تعداد شعارهای نوشته شده ۶۴ عدد می باشد.

"... در این نقاط با اسپری شعار نوشته شد: ۱ - جلوی مدرسه منصور ۲ - خیابان سرلک ۳ - خیابان آبرسان ۴ - جلوی هنرستان معماری ۵ - مدرسه امیر خیزی ۶ - خیابان ولی عصر.

این شعار عمدتاً در رابطه با صلح و همچنین دعوت مردم به مبارزه علیه ارتجاع حاکم بود. "

مسجد سلیمان

* "در کارخانه تانک سازی مسجد سلیمان شعارهای سازمان علیه جنگ نوشته شد. همه کارگران از این موضوع مطلع شدند. مسئولین سیاسی - ایدئولوژیک آمدند و از شعارها فیلمبرداری کردند. خبر چنین ها به شدت همه جا را زیر نظر دارند. "

خیانتها و فضاحت‌های رژیم در مراجع حقوقی بین‌المللی

بقیه از صفحه اول

در این شماره ضمن مروری بر سوابق دعوی ایران و فرانسه بر سر این وام، به چگونگی حل و فصل خیانت بار دعاوی مطروحه در دادگاه لاهه و روش کار بغایت فضاحت‌بار جمهوری اسلامی در آنجا می‌پردازیم. این بررسی نشان خواهد داد که دعوی ایران در اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس به چه شیوه‌ای و به دست چه کسانی پیش برده خواهد شد.

قضیه وام یک میلیارد دلاری

به فرانسه چیست؟

از جمله قراردادهای اسارت‌باری که رژیم سرسپرده‌شاه با اربابان خود منعقد کرده بود قراردادهایی هستند که به اصطلاح، "قراردادهای مشارکت" نامیده میشوند. قرارداد ۲۲ فوریه ۱۹۷۵ با دولت فرانسه از زمره این قراردادهاست. رژیم شاه بر مبنای این قرارداد، یک میلیارد دلار وام در اختیار کمیسیاریای انرژی اتمی فرانسه گذاشت. شاه در این حاتم بخشی علاوه بر خدمت به امپریالیسم دستیابی به اورانیم غنی شده و دیگر امکانات لازم برای ساختن سلاح هسته‌ای برای ایفای کاملتر نقش ژاندارمی در منطقه، را نیز جستجو میکرد.

قراردادی که مطابق آن یک میلیارد دلار سرمایه ایران تحت عنوان وام در اختیار شرکت انرژی اتمی اروپائی (ارودیف) گذاشته شد، نمونه کامل یک قرارداد بر اساس نابرابری طرفین است. رژیم شاه طی آن متعهد شده بود همه ریسکها و خطرات و زیانهای کارکرد ارودیف را بپذیرد. طرف ایرانی علاوه بر این متعهد شده بود که هرگاه تولیدات این شرکت به تشخیص گردانندگان آن، بدون مشتری بماند آنرا به قیمت تعیین شده خریداری نماید. قیمت تعیین شده در هنگام عقد قرارداد به مراتب بالاتر از نرخ رایج در سطح جهانی بود.

قرارداد با ارودیف به مثابه یک قرارداد نالمانه با انحصارات امپریالیستی میبایست پس از انقلاب مورد بازبینی قرار گرفته و نسبت به آن با توجه به منافع ملی تصمیم‌گیری می‌شد. اما رژیم جمهوری اسلامی تا مدت‌ها این قضیه را مسکوت گذاشت. در این رابطه تنها به تعدادی چک و چانه‌زندی‌های بی‌حاصل با مقامات فرانسوی بسنده کردند، چک و چانه‌زندی‌هایی که تقریباً درجایی بازتاب نمی‌یافت. تنها در مواقعی که کدورت روابط سیاسی میان رژیم جمهوری اسلامی و دولت فرانسه شدت می‌گرفت، این قضیه به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغات سیاسی پیش کشیده می‌شد. شرکت فرانسوی درست و حسابی یک میلیارد دلار وام دولت ایران را بالا کشیده بود و به کسی هم جواب پس نمی‌داد.

دولت فرانسه یک میلیارد دلار طلب ایران را در حکم گروگانی تلقی میکرد که با آن بتواند شرایط دلخواه خود را به مقامات ایرانی دیکته کند. هرچه که گذشت امیدواری مقامات فرانسوی و مسئولین شرکت ارودیف افزایش یافت. تا کنون که دولت ایران در کمال خواری و ذلت پذیرفته است بررسی

مطالبات معوقه از بابت این قرارداد در محاکم فرانسوی و طبق شرایط مورد نظر آنها صورت پذیرد و نتیجه آن به برخی از گره‌گاههای سیاسی در مناسبات فیما بین مشروط‌شود. در پی این تحولات خیانت‌بار است که در سه‌چهار ماه اخیر، رژیم سروصدهائی را پیرامون این وام برانگیخته است. اما همانگونه که رسانه‌های امپریالیستی نیز معترفند رژیم جمهوری برای جلب عنایات امپریالیستهای فرانسوی در زمینه‌های گوناگون از جمله در زمینه جنگ و در زمینه اعمال فشار به برخی نیروهای سیاسی مخالف مستقر در فرانسه حاضر است هرگونه دست و دلبازی را از خود نشان دهد، به همان ترتیب که در لاهه برای جلب نظر امپریالیستهای آمریکائی آنگونه بر سرمایه‌های ارزی، کشور چوب حراج زده‌اند.

گام بلند رژیم جمهوری اسلامی در این راستا، مصوبه هیات دولت در تاریخ ۱۲/۹/۶۲ بود که طی آن این شرط دولت فرانسه پذیرفته شد که داوری در مورد استرداد وام یک میلیارد دلاری ایران را اتاق بازرگانی بین‌المللی عهده‌دار شود.

بر سر ۱۴ میلیارد دلار داریابی‌های

بلوکه شده ایران در آمریکا چه آمد؟

بر سر یک میلیارد دلار طلب ایران از فرانسه همان خواهد آمد که بر سر دعاوی مالی ایران علیه آمریکا و خاندان منفور پهلوی آمد. رژیم اکنون به شدت از انتشار خبرهای مربوط به دادگاه لاهه که مرجع رسیدگی به این دعاوی است، خودداری می‌کند تا مردم به عمق خیانتی که مرتکب شده‌اند، پی نبرند. اما همان چیزهایی که جسته و گریخته انتشار یافته است، برای روشن شدن برخی از ابعاد این خیانت کافی است.

در موافقتنامه الجزایر با آمریکا تصمیماتی نیز راجع به داریابی‌های بلوکه شده ایران که بانک مرکزی میزبان آنرا ۱۴ میلیارد دلار اعلام کرده بود، اتخاذ شد. در پی آن از این مبلغ هنگفت تنها ۲/۷ میلیارد دلار به حساب بانک مرکزی واریز شد بقیه پایمال گردید. از جمله ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به علت دعاوی مالی بین ایران و آمریکا همچنان مسدود ماند و ۶ میلیارد دلار برای نشان دادن خوش‌حسابی جمهوری اسلامی بابت وامهایی که هنوز سررسید آنها فرارسیده بود، تقدیم آمریکا گشت.

این ۶ میلیارد دلار، تنها یک قلم از "خوش‌حسابی" ما و بیدل و بخش‌های رژیم است که پرداخت آن در حکم برداشتن "گام حسن‌نیت" بود. در گامهای بعدی رژیم خیانت پیشگویی خود را آشکارتر ساخت.

دادگاه لاهه

مرجعی که به عنوان داوری در مورد دعاوی حقوقی بین ایران و آمریکا بدنبال توافقنامه الجزایر برگزیده شد، دادگاه لاهه است. دو کشور تا دی ماه سال ۱۳۶۰ فرصت داشتند دعاوی خود را

علیه یکدیگر در این دادگاه مطرح سازند. به گفته منوچهر محمدی معاون نخست‌وزیر و سرپرست آن هنگام دفتر خدمات حقوق بین‌المللی تا آن تاریخ ۶۰ هزار مورد دعوی علیه ایران به این دادگاه ارجاع داده شد که مبلغی متجاوز از ۶۵ میلیارد دلار را شامل می‌گشت. (اطلاعات ۹ اسفند ۱۳۶۱). به نوشته روزنامه کیهان ۲۹ اردیبهشت ۶۲ در حال حاضر این دادگاه ۲۶۰ مورد از این دعاوی را پیگیری می‌کند. مبلغ درخواستی در این ۲۶۰ مورد دعوی، ۱۵ میلیارد دلار است. رژیم ایران نیز ۴۷۰ دعوی با مبلغی حدود ۲۰ میلیارد دلار را در این دادگاه مطرح ساخته است.

اما تاکنون حاصل چه بوده است؟ همین شماره کیهان حاصل کار را تا پایان سال ۶۲ چنین جمع‌بندی می‌کند: "تا این تاریخ به ۱۱۲ پرونده رسیدگی شده که حاصل آن پرداخت ۱۶۰ میلیون دلار طی ۶۴ رای سازشی از جانب ایران به آمریکا و نیز محکومیت ایران به پرداخت ۲۷ میلیون دلار دیگر، طی ۲۴ رای بر اساس مصالحه و سازش به آمریکا بوده است. دولت آمریکا نیز طی دورای محکوم به پرداخت ۲۱۵ هزار دلار به ایران شده است."

لازم به یادآوری است که صدور اینگونه احکام محکومیت توسط دادگاه لاهه در همه ۱۴ ماه اخیر نیز ادامه یافته و شدت گرفته است. دولت ایران هم بلافاصله پس از صدور هر حکم غرامت تعیین شده را تمام و کمال می‌پردازد. اینک مجموعه غرامت پرداختی به شرکتهای آمریکائی رقمی به مراتب افزونتر از رقمی است که در پایان سال ۶۲ ارائه کرده بودند.

هم چنین باید خاطر نشان کرد که طبق مفاد بیانیه الجزایر دولت ایران حسابی با سرمایه یک میلیارد دلار مخصوص اعاده غرامتها افتتاح کرده است. از اینرو احکام صادره در لاهه به طور خودبخودی به اجرا در می‌آید و غرامت مقرر شده بلافاصله از حساب ایران برداشت می‌شود. در پی آن دولت ایران طبق همان قرارداد الجزایر موظف است معادل مبلغ برداشت شده یکبار دیگر به همان حساب واریز کند، بگونه‌ای که مجموعه سپرده ایران در آن هیچگاه از مبلغ معینی کمتر نشود. در عوض برای دریافت غرامت‌های ناچیز مقرر شده از آمریکا هیچ تضمینی ندارد. از اینرو احکام صادره از سوی آمریکا لازم الاجرائ نیست. شرکت‌های آمریکائی می‌توانند با بهره‌گیری از کثرت و قوس‌های حقوقی پرداخت آنرا تا هر زمانیکه بخواهند به تعویق اندازند.

در اینجا لازم است متذکر شویم که تاراج سرمایه‌های ملی تنها از طریق دادگاه لاهه صورت نمی‌گیرد. توافقی‌هایی نیز خارج از دادگاه صورت می‌گیرد که رژیم مطلقاً از آنها سخن به میان نمی‌آورد. دادگاه لاهه مطابق با توافقی‌هایی که بعد از امضای موافقتنامه الجزایر صورت گرفت، به مساله استرداد اموال خاندان پهلوی در خارج از کشور نیز رسیدگی می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز فضاحت‌های بسیاری بار آورده است. مسئولین رسیدگی به این مساله هنوز حتی از میزان دارایی خانواده پهلوی در خارج از کشور، برآورد مشخصی

ندارند. رقمی که رژیم در دادگاه مطرح کرده است ۱۰۰ میلیارد دلار است. از این مبلغ تاکنون فقط ۳۰ میلیون دلار دست رژیم را گرفته است. اما اگر جمهوری اسلامی استرداد اموال به غارت رفته خلق را بی گزیری نمی کند، مهره ها و ایادی رژیم پیشین بی کار ننشسته اند. بسیاری از آنها که تبعه آمریکا شده اند، به عنوان شهروندان این کشور در دادگاه لاهه دعویهای را مطرح کرده اند که گاه سر به یک میلیارد دلار می زند.

چه کسانی منافع ایران را

در دادگاه لاهه نمایندگی می کنند؟

پس از آزادی گروهانهای سفارتخانه آمریکا در ایران، کمیته ای در نخست وزیری تشکیل شد که عنوان آن "کمیته هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر" بود. در اوایل سال ۶۱ این کمیته و کمیته دعوی بین المللی در هم ادغام شدند و بدینسان "دفتر خدمات حقوقی بین المللی" به وجود آمد که هم اکنون نیز این دفتر است که باصلاح منافع ایران را در دادگاه لاهه پی می گیرد. مادر اینجانب برای نشان دادن خیانت پیشکی رژیم، براساس اطلاعات موثقی که در مورد "دفتر خدمات حقوقی بین المللی" در دست داریم، برخی از گردانندگان آن را به خوانندگان معرفی می کنیم:

نخستین کسی که از جانب رژیم جمهوری اسلامی برای سرپرستی هیات حقوقدانان ایرانی برگزیده شد فردی بود به نام دکتر کاشانی. او که فرزند آیت الله کاشانی مشهور است، عنصری است بغایت راست، مرتجع و دارای چارچوب فکری غربی. همین فرد بود که در مذاکره مستقیم با آمریکایی ها پذیرفت که دادگاه لاهه مرکز رسیدگی به دعوی حقوقی ایران و آمریکا باشد. کاشانی به خواسته آمریکا مبنی بر این که زبان انگلیسی، زبان رسمی دادگاه لاهه باشد نیز تمکین نمود. در نظر اول، این موضوع مهم جلوه نمی کند. ولی باید توجه داشت که متخصصین ایرانی در زمینه حقوق، عمدتاً به زبان فرانسه تسلط دارند و عدم تسلط به زبان انگلیسی، به شدت موضع آنها را در جلسات دادگاه تضعیف می کند. بیهوده نیست که دفتر خدمات حقوقی بین المللی وقتی می خواهد فعالیت های خود را به ری "امت شهیدپرور" بکشد از "تشکیل کلاسهای زبان انگلیسی برای کارکنان متعهد حقوق" نام می برد. (اطلاعات ۹ اسفند ۱۳۶۱).

کاشانی در انتخاب سرداوران نیز که می بایست با توافق طرفین برگزیده شوند، مطابق با خواسته های آمریکا عمل کرد. سه نفر حقوقدانی که به عنوان سرداور برگزیده شدند، دیری نپایید که نشان دادند بی طرف نبوده و همواره کفه ترازوی عدالت دادگاه لاهه را به نفع آمریکاستگین می کنند.

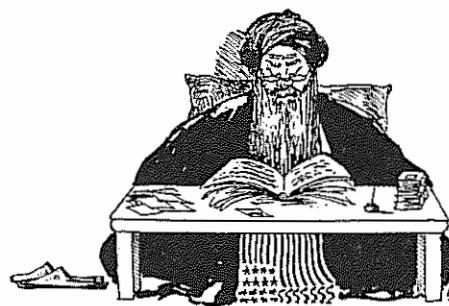
جالب این جاست که این جناب دکتر کاشانی که از جانب رژیم بعنوان نخستین سرپرست هیات ایرانی برگزیده شد، فاقد تخصص لازمه برای عهده دار شدن چنین مسئولیتی بود. او که فارغ التحصیل رشته حقوق خصوصی از دانشگاه تهران است با حقوق بین المللی خصوصی و عمومی و بویژه با منابع کامن لور COMMON LAW که مبنای دعوی بین المللی است آشنایی نداشت و به دلیل خودخواهی

و خودبینی فوق العاده ای که از ویژگی های همه مهره های حاکمیت است، از مشاوره با دیگران خودداری می ورزید. دو نفر داور ایرانی به اسمی شفیع و عنایت نیز که از جانب او برگزیده شدند، همچون خود او فاقد تخصص علمی در زمینه دعوی بین المللی بودند. همین امر باعث می گردید که این افراد بیشتر برای این که حزب الله بودن خود را به رخ حاکمیت بکشند در جلسات دادگاه به برخورد های فیزیکی نیز روی آورند و رژیم متبوع خود را مضحکه مطبوعات غرب ساختند.

به دنبال طرح دعوی عدیده علیه رژیم در محاکم عمومی و داورهای آمریکای و اروپا و به دنبال آن تشکیل دادگاه لاهه، لزوم یک مرکز به منظور هم آهنگی و دفاع در برابر این دعوی احساس می شد. ولی از همان ابتدای کار تشکیل این واحد و انتساب فردی چون دکتر کاشانی در رأس آن، دسته بندی های درونی حکومت از جمله بر سر نحوه عمل در مراجع حقوقی بین المللی، چنان فکر سران حکومتی را به خود مشغول ساخت که مهلت پیش بینی شده در موافقت نامه الجزایر برای حل و فصل اختلافات به پایان رسید بی آنکه رژیم قدمی موثر بر سر تنظیم ادعای های حقوقی علیه آمریکا و دفاع در مقابل دعوی مطرح شده علیه ایران بردارد. بالاخره بر سر تشکیل "دفتر خدمات حقوقی بین المللی" توافق نسبی حاصل شد و اختیار کارها این بار به دست فردی به نام فخریه کاشان سپرده شد. این فرد را به زود نبوی به این سمت منصوب نمود. فخریه کاشان آگاهی و تخصصش در زمینه مسائل حقوقی بین المللی به مراتب از دکتر کاشانی نیز کمتر بود. او به قول آقایان نه متخصص بود و نه متعهد. در زمینه تعهد او با همان معیارهای جمهوری اسلامی همین بس که این کارمند عالی رتبه سابق بانک مرکزی را انجمن اسلامی تعیین شده از جانب رژیم به دلیل جنبه های افراطی و عیاننش در حمایت از آمریکا، از معاونت این بانک معزول کرده بود.

فخریه کاشان به مجرد تکیه بر مسند امور، عده ای از کارمندان بانک مرکزی را که در این بانک هم دست وی محسوب می شدند، در سمت های مختلف دفتر خدمات حقوقی در لاهه و تهران منصوب نمود. این افراد فرصت طلب به منظور حفظ حقوق و مزایای کلان خود، از دعوت و جذب افراد واجد شرایط خودداری می کنند و منافع ملی را به پیشوی نمی گیرند.

دفتر حقوقی بین المللی از همان ابتدای تشکیل خود به یک نهاد بوروکراتیک تبدیل شد و مسائل اساسی این دفتر، یعنی تشکیل گروه های کار برای مطالعه قراردادها، طرح دعوی و تنظیم لوایح، محدود و منحصر به کارهای اداری شد. نتیجه این



وضعیت آن شده است که دعوی ایران در دادگاه لاهه، در آخرین فرصت های تعیین شده و بیابعد از پایان مهلت های مقرر، الزاماً به صورت لایحه جوابیه مطرح شوند. در این میان بسیاری از دعوی ایران، به علت سرسیدن مهلت تعیین شده، هرگز در دادگاه داور لاهه مطرح نشده اند.

اعتراف نبوی

نبوی خائن در مورد مسائل فوق اعترافات جالبی دارد. او می گوید: "در آن دوره ای که بعد از آزادی گروهانها و تا موقتی که خود من هم مسئولیت رسمی در دفتر بیانیه داشتم، فعال با مسئله برخورد نکردیم. یعنی ما فکر میکردیم وقتی که بیانیه امضا شد، کار تمام است. در حالی که بزرگترین کار ما بعد از امضای بیانیه شروع شد که باید فعال با این قضیه برخورد میکردیم... (اما) فعال با قضیه برخورد نکردیم. از اینرو سازمانهایمان هم فعال با قضیه برخورد نمی کردند. در داورای که می رویم آماده نیستیم. ما دفاعیه نداریم، ما مرتب از داورای مهلت می خواهیم. یکی از علل آنهم که داورای نسبت به ما به تردید افتاده، درخواست ما برای تمدید است. (بار ۱۵ بار). آنها احساس کردند که ما میخواهیم وقت کشی کنیم. نمی خواهیم به داورای برویم. پس معمولاً ناقص و ناجور با مساله داور برخورد تا آن موقتی که من اطلاع داشتم. بهمین دلیل در داورای، ما ضعیفیم به علت موضع حقوقی و اجرائی و طبعاً آنها قوی ترند." (مجله سروش ۱۴ آبان ۱۳۶۲)

در چنین جوی فرصت طلبانی که سالها عامل ساواک و دستگاه کیفری رژیم سرنگون شده پهلوی بودند، یکی پس از دیگری عهده دار مشاغل مهم دفتر حقوقی بین المللی شده و بیابعد به عنوان مشاور، به پیرکردن جیب خود، خدمت به امپریالیسم، و پشت پا زدن به منافع کشور، مشغول گشتند. از این عده میتوان این افراد را نام برد:

دکتر نیاکی همکار نزدیک و بار بار احمد قریشی رئیس دانشکده حقوق که مدتی نیز رئیس دانشگاه ملی بود و برای خوشرقصی در برابر ساواک دانشجویان بسیاری را در زمان شاه از این دانشگاه اخراج کرده بود.

حمود گرامی، اکبر ریاضی و جواد فروتنی که از مهره های مهم رژیم سابق در اداری ارتش بودند.

دکتر حسین صفایی و محمدی نژاد که از حقوق بین الملل و طرح دعوی در مراجع بین المللی همان اندازه اطلاع داشتند که مثلاً رفسنجانی و خامنه ای و به زود نبوی در این امور سررشته دارند.

گردانندگان اصلی

دفتر خدمات حقوقی بین المللی

دفتر خدمات حقوقی بین المللی دارای شعباتی در تهران، واشینگتن، پاریس، لندن و لاهه است. مخارج این دفتر با این همه شعبات و دفتر و دستک و بویژه پولهای کلانی که به وکلای خارجی میدهد، رقم بسیاری هنگفتی است که رژیم از افشای آن خودداری میکند. تنها رقم رسمی که در این مورد وجود دارد مربوط به مخارج این دفتر در سال ۶۲ است که در بودجه آن سال کنجاند شده است. این رقم بقیه در صفحه ۱۲

از میان نامه‌ها

تصویر صحنه ای از جنگ ، در سالروز
رهائی خرمشهر

در روز سوم خرداد بود که بالاخره شهر خرمشهر از تصرف اشغالگران بدر آمد. در آن روز در سراسر ایران مردم این پیروزی بزرگ را که ثمره فداکاریهای بی مانندشان بود جشن گرفتند. مردم انتظار داشتند که در آواز آن همه رنجهایی که در راه کسب این پیروزی تحمل کرده بودند دیگر صلح بدست آید. اما سرمداران رژیم جمهوری اسلامی بگونه ای دیگر می اندیشیدند. آنها جنگ را وسیله ای می دیدند که با آن بتوانند اهداف ضد مردمی خود را جامه عمل ببوشانند. بدینگونه جنگ ادامه یافت. و اکنون که سه سال از سالروز فتح خرمشهر می گذرد هنوز صلح دور از دسترس مانده است. عملیاتی که به فتح خرمشهر انجامید عملیات گسترده ای بود که در جبهه وسیعی جریان یافت. یکی از افسرانی که در جبهه نیسان می جنگید گوشه ای از خاطراتش را از آن عملیات طی نامه ای برای ما نوشته است. توجه شما را به خلاصه ای از این نامه جلب می کنیم:

با وجودیکه خود ارتشی بودم، همراه سپاه عازم جبهه شدم - همراه یک گردان ۲۵۰ نفری که از ۲ گروهان تشکیل می شد - بعلت آشنائی من با فنون نظامی و جنگی مرا فرمانده یکی از گروهانها کردند. فرمانده گردان ما، معاون سپاه یکی از شهرها بود که از نظر نظامی و سازماندهی چیزی نمی دانست. تجهیزات گردان ما مانند دیگر گردانهای سپاه تنها عبارت بود از کلاشینکوف ۹، عدد آرپی جی ۷ و سه عدد تیربار.

دو روز با قطار حرکت کردیم تا به اهواز رسیدیم. دو روز کسل کننده ولی به شوق پیروزی بر دشمن و راندن متجاوز از سرزمین خود این دوروز را تحمل کردم در یادگان بهشتی، اهواز مستقر شدیم. ۷ و با ۸ گردان دیگر نیز مثل ما تازه آمده بودند. گوشه و کنار اردوگاه پر از هدایای مردم بود. هدایایی که نشانها از ایثار و حمایت مردم داشت هدایایی که مادران برای فرزندان خود در جبهه که برای راندن متجاوز می رزمیدند فرستاده بودند. قسمت زیادی از هدایا بعلت سهل انگاری و بی تفاوتی مسئولین از بین رفته و خراب شده بودند و بقیه نیز در حال کپک زدن و پوسیدن بودند. ناهماهنگی و در هم ریختگی در اردوگاه بطور بارزی مشخص بود، از عدم سازماندهی درست، بی کفایتی و عدم آشنائی به کار اجرایی فرمانده سپاه حکایت می کرد. ناتوانی آنها در امر سازماندهی و نظامی به حدی بود که قبول کردند یک نفر غیر سپاهی معاون فرمانده باشد و مرا بعنوان معاون انتخاب کردند.

افراد گردان ما و سایر گردانها را بیشتر افراد داوطلب از پایین ترین طبقات و اقشار جامعه تشکیل می داد علاوه بر این دودسته دیگر هم در ترکیب افراد دیده می شدند. اولی کودکان و نوجوانان حدود ۱۵ ساله که بدون هیچ گونه آموزش نظامی به جبهه آورده شده بودند و دومی فرصت طلبانی که ریش گذاشته و بی خبر از خطرات می خواستند حضور در

جبهه را وسیله ترقی خود قرار بدهند. ۲ روز بعد به سوسنورد منتقل شدیم. اکثر خانه ها خراب شده بودند. یادگیری مستقیم چندان فاصله نداشتیم. در اینجا بود که فرصت طلبان ریش گذاشته ترسوا از آب در آمدند و خواهان بازگشت به خانه شدند رئیس انجمن اسلامی صوفیان از همه بیشتر ترسیده بود و زودتر می خواست برگردد. کسانی نیز بودند که مدت ماندنشان در جبهه تمام شده بود و می خواستند برگردند. اینگونه افراد را جدا کرده و جای آنها را با سایر افراد از گردانهای دیگر پر کردیم. چهار روز بعد به خط اول منتقل شدیم و شب هنگام حدود یک ساعت با ماشین راه رفتیم. پشت رودخانه نیسان پیاده شدیم و چهار ساعت پشت خاک ریزها پیاده روی کردیم. به محل استقرار رسیدیم. پشت خاکریز سنگر گرفتیم. دیگر کلوله ها از بالای سرمان رد می شدند و صدای مخوفی ایجاد می کردند. با دشمن فاصله ای نداشتیم. سپیده دمان شروع به کندن سنگر کردیم. وضعیت بد آب و غذا باعث مریضی چند نفر شده بود ولی با این همه به کارمان ادامه میدادیم. همانروز کندن سنگرها را تمام کردیم. گردان ما تنها ۴ عدد وانت داشت که تمام کارهای گردان را اعم از حمل نفقات زخمی گرفته تا آوردن غذا و سایر تدارکات انجام میداد. روز دوم یک کشته و ۷ زخمی دادیم.

روبروی ما شهر هویزه قرار داشت. شهری که قبلا در آن کشته و زخمی داده بودیم میدانستم گرفتن آن شهر کار ساده ای نیست. ولی باید تا آخرین نفس جنگید. روز حمله فرار رسید، آماده باش شبانه دادیم. سبک حمله اینطور بود که باید گروهان به گروهان از خاکریزها گذشت و به دشمن یورش ببریم و هر کس افتاد افتاد. بقیه به پیشروی ادامه بدهند. نزدیک های نصف شب حمله از جناح ما لغو شد ولی از طرف خرمشهر و پادگان حمیدیه بچه ها حمله را شروع

صالح

جنگ
در کلوگاه ایران
شنگ بیداد می ریزد،
و خنجر می کشد
بازوزه فریبکاران
بر آواز دل انگیز صلح

ای صلح!

من
عظرت را در رگان مردم یافته ام
و تصویرت را
در آینه های راهی.

مردم
بر کتیبه های باستانی
اضطراب مرکباز جنگ را
نقش می کنند

و کودکان
بر برگهای دانش
مهربانی تورا
ای صلح!

گیلراد
اردیبهشت ۶۴

کردند. صبح روز بعد نیروهای مستقر در خط نیسان بجز گردان ما به جبهه خرمشهر منتقل شدند. گردان ما در خط نیسان باید جای خالی بقیه را پر میکرد. تنها در چهار کیلومتری ما یک گردان ژاندارمری با چند نفر بر و خودرو قرار داشت و پشت سر آن تاسوسنگر و از سوسنگر تا اهواز نیز خالی بود. هیچ پشتیبانی نداشتیم نیروهای عراقی ضرباتشان را آغاز کردند. اما ما تصمیم داشتیم تا آخرین نفر مقاومت کنیم.

فشاری که در خرمشهر به عراقی ها وارد شد مجبورشان کرد پس از ۴۸ ساعت نیرویشان را از جبهه نیسان عقب بکشند و به خرمشهر ببرند. آنها در کمال ناپاوری عقب کشیدند و هویزه را تا چهل کیلومتر پشت سر آن (جغیر) خالی کردند و رفتند به شهر آزاد شده هویزه قدم گذاشتیم. تمام اطراف راهها مین گذاری شده بودند بوسیله سرنیزه مین ها را خنثی کردیم و راهی برای عبور سربازان باز کردیم. دستور پیشروی دادند تا جغیر پیش رفتیم. مانعی روبروی ما نبود. دشمن نیروهای خود را برای بردن به سایر جبهه ها عقب کشیده بود. در شهر جغیر در یکی از مقرهای عراقیها مستقر شدم. هیچ اطلاعی از زمین دشمن نداشتیم. از وضع نیروهای آنها هم در منطقه یکلی بی خبر بودیم با وجود این مدام بما پیغام می دادند که پیشروی کنید. میدانستیم پیشروی در این موقعیت کار خطرناک و ابلهانه ایست. هر لحظه امکان داشت به دام بیفتیم. ولی بناچار دوباره کیلومترها به پیشروی ادامه دادیم و پشت یک خاکریز کوچک مستقر شدیم. ژاندارمری در ۱۰ کیلومتری پشت مادر

پاسگاه طلائیبه مستقر شد. تماس رادیویی با دیگران نداشتیم و فقط پیامها را بوسیله موتور سوارها میفرستادیم. بعد از ۲۴ ساعت طرفهای ظهر روز بیست و چهارم اردیبهشت نیروهای عراقی شروع به آتش کردند. آتش عراقیها هر لحظه سنگین تر می شد. زخمیها را بوسیله ماشینها به پشت جبهه منتقل کردیم. دیگر ماشینی نداشتیم. تانکهای عراقی از روبروی آمدند به آربی جی زنها دستور زدند دادم ولی دیر شده بود. از سه طرف محاصره صد تانک عراقی قرار گرفتیم.

تانکهای عراقی از روی خاتریزمی گذشتند و بچه هایکی پس از دیگری کشته و مجروح می شدند. دستور عقب نشینی دادم. هنگام عقب نشینی هدف خمپاره های دشمن قرار گرفتیم باز عده ای کشته و مجروح. حدود یک کیلومتر از جبهه توصیف ناپذیر عقب نشستیم. عراقیها تا پاسگاه طلائیبه پیشروی کرده و دوباره آنجا مستقر شدند. از گردان ما ۱۳ نفر سالم و ۹ مجروح باقی مانده بود. بقیه کشته شدند. تک تک آنها برای عقب راندن دشمن می جنگیدند. برای اینکه بتوانند در صلح زندگی کنند! خیلی از آنها ممکن بود که نمیرند، در صورتیکه توسط فرماندهانی دلسوز صاحب صلا حیت رهبری می شدند فردای همانروز چند گردان سپاه و چند تانک ارتشی برای کمک آمدند، اما دیگر نوشداروی بعد از مرگ سهراب بودند. فرمانده سپاه منطقه نیز همراه آنها بود که من با او بر سر اینکه چرا ما را بدون پشتیبان ول کرده اند و چرا بدون محاسبه دستور پیشروی میدادند در گیر شدم. چند روز بعد در روز سوم خرداد، روز فتح خرمشهر باقیمانده واحد ما همراه با واحدهای تازه نفس از طرف جغیر و طلائیبه دوباره به نیروهای عراقی حمله برد که نیروهای عراقی نتوانستند مقاومتی بکنند و مجبور به عقب نشینی شدند. ما دوباره جاهای قبلی را پس گرفتیم و حدود یک کیلومتر نیز جلوتر رفتیم. فردای آنروز

باتفاق چند نفر باقیمانده گردان در جستجوی اجساد افرادمان براه افتادیم. عراقیها بغیر از ۷ نفر بقیه را قتل عام کرده بودند و با لودر رویشان را خاک ریخته بودند. در حدود ۲۰۰ جسد متعفن را از زیر خاک در آوردیم صحنه غیرقابل تحملی بود. عده ای را شناسایی کردیم و به پشت جبهه فرستادیم. اجساد یارانی که تا چند روز پیش با هم بودیم با هم غذای خوردیم و با هم در یک جامی خوابیدیم، از زیر خاک در می آوردیم. جسد ۲۰ نفر را پیدا نکردیم دوتن از آنها از بهترین دوستانم بودند. ولی بعد از یکسال دیگر استخوانهای آنها را از یک کودال در آوردیم و بوسیله پلاک شناسایی کردیم.

بخشی از نامه یک فدایی

در رابطه با بمباران "دولت آباد"

ساعت ۱۰/۵ شب بود. در خیابانهای تاریک بعد از اتوبان افسریه، صدای آمبولانسها شنیده میشد و در مدخل جاده شهرک دولت آباد، ازدحام مردم و ماشینها دیده میشد. در نزدیکی محل حادثه تمامی راههای ورودی به شهرک را بسته بودند. مجبور بودیم پیاده برویم. مردم کم کم متراکم تر میشدند. صدای خفه جمعیت و صدای آژیر و بعد نزدیک و نزدیکتر، در روبروی تلی از آهن و آجر و سیمان و فرش و لوازم خانه، خیر از وجود قربانیان بی گناه را میداد. نیمی از یک ساختمان که جمعا ۲۰ واحد آپارتمان داشت، تخریب شده بود و قسمتهایی از ساختمان آپارتمانهای مجاور فر و ریخته بود. آنطرفتر آهن پارههایی که چند لحظه قبل از بمباران، ماشین نامیده می شدند، رویهم تلنبار شده بودند. همه حاضرین از جنگ متنفر بودند و عده ای هم مات و مبهوت دور خود می چرخیدند. جوانی به تلخی می گفت: "گلوله روی دفترچه سیج، بمب و راکت با قرعه کشی، بشتابید که از دستتان نرود." پیر مردی که با عصبانیت روی زمین نف می کرد و مرتب حرفی را زمزمه می کرد، در جواب که از وی پرسیدم: چه می گویی؟ گفت: "بتوجه مربوطه مگر کمیته ای هستی؟" گفتم: نه، ولی پدر جان مثل اینکه خیلی عصبانی هستی؟ گفت: "آره مرتیکه می خواهد همه را به کشتن بدهد"

در حال نگاه کردن به ویرانیهایم که دستی بر شانه ام خورد و یک امدادگر آتش نشانی از من پرسید: آیامی دانی چند نفر در این واحدهای تخریب شده زندگی می کردند. گفتم نه، در این بین یک روحانی را دیدم، بطرفش رفتیم و پرسیدیم: گفت: "نمی دانم بمن مربوط نیست." و نگاه غضبناک امدادگر را برانگیخت.

من و امدادگر وارد ساختمان مخروبه شدیم، چشم به مردی عینکی که هیكلی تنومندی داشت افتاد. وی گریبان بود و بر سرش می زد و می گفت: "وای خدای من خانه ام طبقه چهارم بوده و ۱۰ نفر مهمان هم داشتیم. از سرکار به خانه آمده ام، زخم کجاست؟ بچه ام کجاست؟" تعدادی از کمیته چی ها از مردم خواستند که شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" بدهند. دوربین فیلم برداری آوردند. اما هیچکس از آن جمعیت که حدودا به چهار هزار نفر می رسید، به خواستشان جوابی نداد. در نتیجه مجبور شدند بسیجی های همه محلات اطراف را جمع کنند و آنها جلوی

دوربین شعار جنگ جنگ... را دادند. تا فردا شب در تلویزیون نمایش دهند. اما همه مردم به آنها بدو بیره می گفتند و با نفرت نگاهشان می کردند. پس از آن کمیته ایها کوشیدند مردم را برانگیزند. مرد جا افتاده ای می گفت: "در شمال شهر که خودشان (سران رژیم) سکونت دارند تماما ضد هوایی نصب کرده اند. ولی ما را در اینجا بی پناه گذاشته اند جنگ باید تمام شود." و تکرار کرد: "جنگ باید تمام شود."

نامه ای در رابطه با بمباران خزانه

"... در رابطه با برخورد مردم تهران نسبت به جنگ گفتنی زیاد است. من تنها به چند نمونه اکتفا می کنم:

دوازدهم فروردین یعنی یکروز پس از بمباران به خزانه رفتم. مردم برای دیدن آثار ویرانی به آنجا آمده بودند. جمعیت حاضر، بسیار بیشتر از جمعیتی بود که بمناسبت روز جمهوری اسلامی به دانشگاه رفته بودند. حدود پنجاه نفر پاسدار و کمیته چی در لباس فرم و قطعا تعداد بیشتری در لباس شخصی در محل حضور داشتند. یک راننده تاکسی که منزلش در فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری محل بمباران قرار داشت و شیشه های منزلش شکسته بود، حین تخلیه منزلش گفت: دیشب، بعد از بمباران، یکی از همسایه ها که مرد کارگری است و همه شیشه های خانه اش شکسته بود، وقتی با ماموران کمیته که برای امداد آمده بودند مواجه شد، شروع به فحاشی به خمینی کرد و ماموران او را دستگیر کردند و سه نفر دیگر هم که به حمایت از او برخاسته بودند، توسط ماموران بازداشت شدند. وی می گفت: صبح امروز که مصاحبه گر رادیو تلویزیون نزدیک زن که بچه اش در اثر بمباران کشته شده بود جهت مصاحبه رفت، زن داغدار نریضا صوت مصاحبه گر را گرفته و با خشم بر زمین کوبید و با حالت گریان شروع به فحش دادن کرد.

با یک سرباز در آنجا صحبت کردم و گفتم: می بینی جنگ یعنی چه! سرباز گفت: "لعنت بر پدرش که شروع کرد و لعنت بر مادرش که نمی گذارد تمام شود." او در حالیکه به اسامی مجروحین بمباران در بیمارستان فلکه دوم خزانه نگاه می کرد گفت: ببین چه بروز مردم آورده اند! گفتم پس بلند فریاد بزن "مرگ بر جنگ" سرباز گفت: من همیشه می گویم مرگ بر جنگ.

مردی که با بچه اش آمده و کارگر خیاط بود، گفت: خدا بکند جنگ زودتر تمام شود تا آینده بچه ها لااقل مثل ما نباشند. یک راننده اداره آب و برق که در محل بمباران حضور داشت، در حالیکه لبانش را می جوید گفت: همه اش تقصیر این حکومت است که نمی خواهد حرفی غیر حرف خود بشنود...

نامه ای از هشتمین

"من از هشتمین برای شما نامه می نویسم. می خواهم کمی از گرفتاری های مردم را بگویم. هشتمین در منطقه طالش استان گیلان واقع است اکثریت مردم آن روستاهای پیرامونش به کشاورزی اشتغال دارند. آنها از حداقل امکانات یک زندگی ساده محرومند. کشاورزان منطقه که عمدتا شایکارند امسال حاضر نشدند دسترنج خود را به دولت بفروشند. آنها

می گویند دولت همه کالاهای ضروری زندگی را به ما گران می فروشد و در عوض می خواهد برنج را که حاصل زحمات توانفرسای ما است، به ارزانترین قیمت بخرد. در هشتمین گراشی و کمبود مایحتاج عمومی بیداد می کند. صدای اعتراض مردم در صف ارزاق عمومی، هر روز بیش تر میشود. بسیاری از کشاورزان به دلیل نبودن امکانات کشت و تعداد زیادی از کارگران بیکار و (به ویژه کارگران ساختمانی بعلت نبودن مصالح ساختمانی) در خیابانهای شهر دستفروشی میکنند و بدین سبب همواره در معرض یورش مامورین شهرداری قرار دارند. دستفروشان بارها هنگام یورش، خشم خود را با شعار "مرگ بر شهردار" ابراز داشته اند.

ارگانهای سرکوب رژیم در تقابل با نفرت مردم از جنگ، به ایجاد گشت هایی در شهر، بمنظور پیگرد و دستگیری جوانانی که کارت پایان خدمت ندارند، دست زده اند. پاسداران و ژاندارمها پس از شناسائی آن دسته از فرزندان مردم که خود را به نظام و تالیفه معرفی نکرده اند و یا از جبهه فرار کرده اند، بی درنگ آنان را دستگیر و روانه پادگانها میکنند.

مردم طالش بخاطر سنی مذهب بودن می بایست رنج مضاعف ناشی از استبداد مذهبی حکومت خمینی را هم تحمل نمایند. مسئولین دولتی همیشه معتقدات سنی ها را مسخره می کنند. آنها با دست زدن به حرکات تحریک آمیز سعی دارند جنگ شیعه و سنی راه بیندازند.

مردم علاوه بر تحمل وضع بد مالی و نترانی ناشی از بیکاری، در بدری، اعتیاد و فساد که زندگی فرزندانشان را تهدید میکند. با یلهوسی های ابادی رژیم نیز که از طریق غارت دسترنج خلق، نیازهای جاه طلبانه خود را تامین میکنند، مواجه اند. برای نمونه: چندی پیش امام جمعه شهر "ناطق" برای آنکه به گفته خویش نامی از خود به جا نهد و خود را پیش حکام رژیم عزیزتر نماید، هوس میکند مسجد قدیمی شهر را که گنجایش ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را داشت و معمولا هم خالی بود، تخریب کند و مسجد بزرگتری احداث نماید. مسجد مورد نظر "آقا" ۱۰۰ میلیون تومان خرج بر می دارد، که وی علیرغم مخالفت شدید مردم با اجرای چنین تصمیمی، مبلغ مورد نظر را از بازاریان و اصناف و سایر اقدار شهر با تهدید و ارعاب جمع آوری کرد. علاوه بر این، دستور تخریب پنج باب مغازه را که نزدیک مسجد قرار داشتند، نیز داد. اکنون همان مغازه داران به جرگه دستفروشان شهر پیوسته اند. امام جمعه برای جمع آوری پول ساختمان مسجد رانندگان تاکسی را جمع کرده و از آنها خواست پول بدهند. بیشتر رانندگان حتی یک تومان هم کمک نکردند. در عوض آنها این جلسه را به محل طرح مشکلاتشان بدل کردند.

علاوه بر توسعه مساجد، زندانها نیز در بخش وسیعی از شهر ما توسعه یافته اند، مهمانسرای بزرگ هشتمین، زندان سیاه شد. علاوه بر آن یکی از دبستانها شهر که به مقر سیاه نزدیک بود نیز به زندان، تبدیل گردید. با وجود این زندانهای شهر کوچک ما چنان از زندانیان سیاسی پر شده است که آنها جای خوابیدن ندارند. آنها بطور دائمی بوسیله شکنجه گران تحت آزار هستند. دوتن از این جلادان "دشتیاری" و "رضی زاده" نام دارند که آشکارا به جنایات خود اعتراف می کنند...."

موضع مشترك احزاب کمونیست عراق و ترکیه در باره موافقتنامه ضد کردی بغداد- آنکارا

نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک آن را محکوم می کنند، اینک ۵ سال است که ادامه دارد. این جنگ علیه منافع خلقهای عراق و ایران است، صلح جهانی و امنیت عمومی را به خطر افکنده و به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا بهانه می دهد تا حضور نظامی اش را در منطقه خلیج شدت بخشد. در جریان جنگ، عراق تقریباً همه ذخایر خود را از دست داده است. تاسیسات کلیدی اقتصاد - حوزه های نفتی، تاسیسات انرژی و بنادر - ویران شده اند. در تولید صنعتی و کشاورزی اختلال اساسی وارد آمده است. به همه اینها باید تلفات سهمگین در میان آنهایی که بزور به این قصابی خونین رانده شده اند را افزود.

در کشور، پیگرد ددمنشانه احزاب و نیروهای ملی و میهن پرست پایان نمی پذیرد. جنگ علیه خلق کرد، که برای حقوق حقه ملی خود، برای خودمختاری و دمکراسی واقعی مبارزه می کند، ادامه دارد.

از این رو، میهن پرستان واقعی، چه در جبهه دمکراتیک ملی عضویت داشته باشند یا نه، برای آلترناتیو دمکراتیک و راهی از رژیم مستبد تلاش می کنند. خلق کرد سهم مهمی در این پیکار فریبرانی ایفا می نماید. با توجه به نا ارامی های فزاینده در میان مردم، تشدید فعالیت های پارتیزانی و گسترش فعالیت مردم کرد، رژیم حاکم بر عراق موافقتنامه با حکام آنکارا را به این امید که بتواند از نیروهای ترک علیه نیروهای میهن پرست استفاده کند، امضا نمود.

اهداف تجاوزکارانه موافقتنامه ترکیه و عراق، که در سال ۱۹۸۴ تصدیق شد، و اجرای عملی مفاد آن بنحوی جدی صلح و امنیت ملتها را تهدید می کند. این موافقتنامه، تشنجات را تشدید نموده و در خدمت امپریالیسم جهانی، اسرائیل و ارتجاع منطقه است. توافق مزبور تنها علیه منافع و حقوق خلق کرد در بخشهای مختلف کردستان نیست، بلکه در عین حال بخشی از نقشه های امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، برای کل منطقه است.

بر این اساس، احزاب برادر ترکیه و عراق طی بیانییه مشترکی تاکید ورزیدند: "ترکیه بمقابله یک کشور ناتوی دست اندرکار گسترش حوزه عمل این پیمان است. حکام ترکیه از آن رو نقش ژاندارم آمریکا را ایفا می کنند که خود اهداف توسعه طلبانه و شوینیستی دنبال می نمایند. اقدامات ددمنشانه و تجاوزکارانه و موافقتنامه نامشروع، استقلال هر دو کشور را تهدید می کند، برای نیروهای خارجی امکان مداخله در امور داخلی دو کشور را فراهم می آورد و صلح را در منطقه و سراسر جهان به خطر می افکند."

حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست ترکیه خواهان آن هستند که به این تجاوز فوراً پایان داده شده و نیروهای ترک از مناطق مرزی عقب بنشینند. احزاب ما افکار عمومی ترقیخواه جهان و همه آنهایی را که قلبشان برای صلح جهانی می تپد، فرامی خوانند تا از مبارزه عادلانه کمونیستها و نیروهای ترقیخواه و دمکرات هر دو کشور علیه دیکتاتوری و برای یک آلترناتیو دمکراتیک پشتیبانی به عمل آورند.

بقیه از صفحه اول

حکام ترکیه، که از لحاظ نظامی قوی ترند، بدون شک از امضای این موافقت نامه سود بردند. اما چه چیز باعث شده است که آنها اینچنین برای "حفظ امنیت" مرزهای خود با عراق نگران باشند؟

به یاد آوریم که رژیم سرکوبگری که در ترکیه به قدرت رسیده، نیروهای دمکرات و ترقیخواه، حزب کمونیست و سندیکاهای را به سبانه ترین وجهی سرکوب می کند. هزاران نفر دستگیر و شکنجه شده اند. بیش از ۲۰ میهن پرست اعدام شده و صدها تن در شکنجه گاهها به گونه ای ددمنشانه آزادی بینند... در قبال مردم کرد، سیاست شوینیسم و ستم ملی و اجتماعی اعمال می شود. محافل حاکم حتی حاضر به شناسایی موجودیت کردها در ترکیه، که یک پنجم جمعیت کشور را تشکیل می دهند، نیستند، تا چه رسد به احترام به حقوق حقه ملی آنها.

در اعمال سرکوب علیه کردها از این بهانه استفاده می شود که باید با "شورشیان" مبارزه نمود. نخست وزیر ترکیه در مورد عملیات در مرز عراق نیز از همین استدلال بهره گرفت. وی مدعی شد که این عملیات واکنشی در قبال حمله به نیروهای دولتی بوده است. اما در هر حال نباید اظهارات رسمی مقامات را بدون ارتباط با مسئله کردها، که در کشورهای همسایه، عراق و ایران، حادث شده است، یعنی بدون ارتباط با مسئله موجودیت ملی و آینده خلق کرد، که در یک منطقه به هم پیوسته زندگی می کند، دید.

همچنین این عملیات سرکوبگرانه رژیم ترکیه علیه "شورشیان کرد" بی ارتباط با نقشه های استراتژیک عمومی امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، که خاور نزدیک را منطقه منافع "حیاتی" انحصارات آمریکا می نامد، نیست. ترکیه جناح جنوبی ناتو را تشکیل می دهد. این کشور یک انبار بزرگ سلاحهای ساخت آمریکا است. در خاک ترکیه، در نزدیکی مرزهای عراق و سوریه، پایگاه "سپاه واکنش سریع" آمریکا قرار دارد. همانگونه که واکنش اعلام کرده، این نیروها آماده اند در صورتی که منافع ایالات متحده ایجاب کند، در نقاط دلخواهی از منطقه، از پاکستان تا سواحل آفریقا، مداخله نمایند. این اولین بار نبود که حکام ترکیه علیه کشورهای دیگر متوسل به اعمال قهر نظامی شدند. آنها که در سال ۱۹۷۴ به قبرس تجاوز کرده بودند، و در ماه مه ۱۹۸۲ به خاک عراق نیرو فرستادند.

عملیات نظامی رژیم آنکارا خطر جدی متوجه منافع همه کشورها و ملل منطقه ما و جنبش رهایی بخش ملی آن، به ویژه مبارزه آزادیخواهانه خلق کرد در ترکیه، عراق و ایران می سازد. همچنین باید از تمایلات سلطه جویانه خونتای نظامی ترکیه در قبال همسایه جنوبی نام برد.

اما چه چیز دیکتاتوری عراق را بر آن داشته موافقتنامه مزبور را امضا کند؟ پاسخ این سؤال در بحران بسیار حاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ای است که این رژیم با آن مواجه است. جنگ خانمانسوزی که این رژیم علیه ایران آغاز کرد و همه

شکوفایی، رفاه و بهروزی: ارمنان سوسیالیسم برای مردم مجارستان

چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری، در عین حال چهلمین سالگشت برپایی قدرت خلق در یک سلسله از کشورهای اروپای خاوری نیز هست. یکی از این کشورها، مجارستان است که اسام، چهلمین سالگرد کشایش فصل نویینی از تاریخ خود را برگزار می کند. مجارستان که پس از سرکوب خونین جمهوری شورایی در سال ۱۹۱۹، تحت حاکمیت بورژوا - ملاکی در عقب ماندگی و فقر تنگ داشته شده بود، پس از رهایی از یوغ فاشیسم راه پیشرفت و شکوفایی را برگزید. نخستین گام در راه تحقق تحولات بنیادین دمکراتیک، اصلاحات ارضی و تقسیم زمینهای کشاورزی میان دهقانان بی زمین و کم زمین بود. ادامه این راه و تحقق دگرگونیهای سوسیالیستی، اینک باعث آن شده است که مجارستان به سطح بالایی از رشد اقتصادی و اجتماعی برسد. در آغاز قرن حاضر، مجارستان را "کشور سه میلیون گدا" می نامیدند. هم اکنون سوسیالیسم برای مردم این کشور، استانداردهای بالای زندگی و امکانات گسترده در زمینه های فرهنگ، آموزش، دانش، امور اجتماعی و بهداشت فراهم آورده است.

مجارستان فاقد منابع طبیعی عمده است اما علیرغم این امر، آهنگ رشد اقتصادی آن از کشورهای سرمایه داری بسیار بیشتر است در فاصله سالهای ۱۹۵۰-۱۹۸۲، درآمد ملی مجارستان پنج برابر شده است. در حال حاضر، جمهوری توده ای مجارستان ۲۰ درصد کل صادرات اتوبوس جهان، شش درصد صادرات کالاهای الکترونیکی و چهار درصد صادرات کالاهای مربوط به مخابرات، پزشکی و داروسازی را به خود اختصاص داده است. تولید سرانه بسیاری از محصولات کشاورزی در مجارستان در جهان، مقام اول را حائز است. در سال ۱۹۸۴ مجارستان با ۱۰/۷ میلیون جمعیت ۱۵ میلیون تن غله تولید کرده است. محصول کدوم که در هر هکتار ۵ تن برداشت می شود، میچکاه تا به این حد بالا نبوده است.

آمار زیر گوشه ای از دستاوردهای بزرگ مجارستان در عرصه اقتصاد را نشان می دهد:

مقایسه آهنگ رشد تولید صنعتی مجارستان با برخی از کشورهای سرمایه داری (تولید سال ۱۹۵۰ معادل ۱ فرض شده است)

کشور	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۲
مجارستان	۵/۲	۸/۴	۸/۸
بریتانیا	۱/۸	۲/۰	۲/۰
آمریکا	۲/۴	۲/۲	۲/۲
آلمان فدرال	۴/۱	۵/۱	۴/۸
فرانسه	۲/۰	۴/۰	۲/۸

به گفته یانوش کاداردبیر اول حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، این کشور "درست بدان دلیل موفق است که از شیوه های سوسیالیستی بهره می جوید." راهی که جمهوری توده ای مجارستان در چهار دهه گذشته پیموده است، بگونه ای غیر قابل انکار نشان می دهد اندیشه مارکسیسم - لنینیسم تا چه حد زنده و پویاست و نظام اجتماعی سوسیالیستی، تا چه میزان بر سایر نظامها برتری دارد.

بقیه از صفحه ۹

برابر است با ۴۲۲ میلیون ریال.

اخیرا کار سواستفاده و چپاول از خزانه کشور در این دفتر به حدی بالا گرفته که مسئولین امر به‌خشنامه کرده‌اند کارمندان این نهاد حق ندارند بیش از سه نفر از اعضای خانواده و بستگان خود را به‌کار بکنارند!

فضاحت کار این دفتر بعد از مدت اندکی که از تشکیل آن گذشت آنقدر بالا گرفت و آشی که در آن پخته می‌شد آنقدر شور بود که خان‌م فهمید. رژیم در صدد چاره‌جویی برآمد. بالاخره چاره آن شد که فخریه‌کاشان را از سمت خود عزل کرده و در عوض او را به‌عنوان نماینده ایران به‌لاکه فرستادند تا او در آنجا راحت‌تر با آمریکایی‌ها در تماس قرار گیرد. بعد از مدتی عنصر مشکوک و فرصت طلب دیتری به‌نام اشراق، کارمند عالی‌رتبه وزارت امور خارجه، جای این فرد را گرفت. این عنصر حتی در وزارت خانه جمهوری اسلامی به یک چهره آمریکایی اشتها داشت.

با ورود گودرز از افتخار جهرمی به دفتر خدمات حقوقی و بالاگرفتن تدریجی کار او، فضاحت کار این دفتر به اوج خود رسید. گودرز افتخار جهرمی درس فرصت طلبی و بوقلمون‌صفتی را از همان عنفوان نوجوانی در مکتب پدر رباخوارش در جهرم آموخته است. او که قبلا در خدمت رژیم شاه بود و به‌عنوان بورسیه دولتی و عامل خبری ساواک در خارج از کشور و همچنین در آن هنگام که در دانشگاه فرح سابق مشغول به کار شد و با جان و دل به دست‌آینه سرنگون شده سلطنتی خدمت می‌کرد، بعد از انقلاب به یک حزب الله دوآتشه تبدیل شد. او بزودی با عنوان عضو عقوفدانان شورای نگهبان موقعیت مستحکمی در حکومت برای خود دست و پا کرد.

گودرز افتخار جهرمی در آن هنگام که دکتر کاشانی هم‌کاره بود مجیز او را میخواند اما بعد از این که موضع کاشانی بر اثر کش و قوس‌های درونی حکومت تضعیف شد، او نیز در برابر وی موضع گرفت. این گونه باندبازیهایی که با نشان دادن دوستان و آشنایان و مریدان بر مصدر امور همراه بود، باعث شد که این فرد چندی نباید که همه‌کاره شود.

دفتر حقوقی پاریس

اولین کار گودرز افتخار جهرمی ایجاد یک سلسله تغییر و تحولات در شعبه پاریس دفتر حقوقی بین‌المللی بود. او ابتدا حسن احمدی کارمند بخش تبلیغات بنیاد مستضعفان را که از جمله خبرچین‌های ساواک در دانشگاه ملی بود، به‌عنوان سرپرست دفتر حقوقی پاریس انتخاب کرد. این فرد بعد از ورود به پاریس عده‌ای از وابستگان و طرفداران رژیم پیشین را به دور خود گرد آورد. از زمره اینان میتوان از فرشته فیاض فاضلی (که پدرش یکی از وکلای مجلس در زمان شاه بوده است) جوادی، تسلیمی و روح افزا (که بورسیه رژیم سابق بودند ولی چون از تحصیل لطفی نداشتند رستورانی در ماری تاسیس و به کسب و کار مشغول گشتند) نام برد. جالب این جاست که هیچ چیزی از جمله مدارک تحصیلی آنچنانی نیز در توجیه این انتصابات در یک نهاد حقوقی وجود نداشت. تنها باید فاکتور فساد و وطن‌فروشی را برای توجیه این انتصابات مدخلیت داد.

حسن احمدی سرپرست دفتر پاریس بعد از

انتصاب به این سمت برای ابراز تشکر از گودرز افتخار جهرمی، پسرخاله وی را که مرتضوی نام دارد و قبلا از جمله ساواکی‌های سرشناس شاغل در وزارت آموزش و پرورش بوده است، به عنوان رئیس امور اداری برگزید.

به این ترتیب با توجه به این که دفتر پاریس دعای حقوقی ایران در کل اروپا را دنبال می‌کند باید فاتحه همه دعای مطروحه در محاکم کشورهای فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان، اسپانیا و ایتالیا را خواند.

ناگفته پیداست که کار "بی‌گیری" استرداد وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه که پیش از این شرح آن گذشت، به دفتر حقوقی پاریس سپرده خواهد شد. بنابراین بازهم ناگفته پیداست که عاقبت این یک میلیارد دلار چه خواهد شد. رژیم نظر بلندی که از خیر میلیاردها دلار دارائی خانواده سلطنتی و اموال و یوهای بلوکه شده و بلاکشیده شده ایران توسط آمریکا می‌گذرد، بر سر این یک میلیارد دلار نیز دست به خرج نخواهد داد.

حزب الله در لاهه

فساد و خیانت در دفتر حقوقی بین‌المللی که ظاهرا وظیفه آن دفاع از منافع ایران و بازپس گرفتن دارایی‌های به غارت رفته خلق است، به حدی بالا گرفته که پرونده‌ای که می‌توان در این مورد تشکیل داد، کم اهمیت تر از دعای که میشد در دادگاه لاهه مطرح کرد، نیست. در این دفتر همه انگاری، بر سر خوان بی‌غمان نشسته‌اند.

عده‌ای از وکلای غربی نیز از این خوان بی‌غما بی‌نصیب نمانده‌اند. به این وکلای که از جمله آنها میتوان از "وبر" آلمانی نام برد، تاکنون میلیونها دلار پرداخت شده است.

مسئولین امور معمولاً کارها را به گونه‌ای سازمان می‌دهند که هر چه بیشتر امکان چپاول داشته باشند. مثلا دعای مطروحه در کشورهای اروپایی از آن جهت به دفتر پاریس سپرده شده، که احمدی و دارو دست‌اش بتوانند مرتب با هواپیما و با دریافت فوق‌العاده حقوق و هزینه سفر بین پایتخت‌های کشور اروپایی رفت و آمد کنند. این در حالی است که هیچ یک از زبان و سیستم حقوقی این کشورها آشنایی ندارند و در اولین برخورد نیز مشخص می‌شود که این ریخت و پاشها را نمی‌توان چیزی جز فساد و مفتخوری توجیه کرد.

مسئولین دفتر حقوقی بین‌المللی همگی در پایتخت‌های کشورهای اروپایی به خرج ملت زجر دیده ما و به‌یمن خیانت‌های رژیم خمینی به عیاشی مشغولند. به دهنمون از فساد مسئولان "متخصص" و "متعهد" دفتر حقوقی که از حزب اللهی "چادر وحدت" مقابل دانشگاه نیز حزب اللهی‌ترند، اشاره می‌کنیم:

چندی قبل حسن احمدی ممول دفتر پاریس قصد تجاوز به یکی از کارمندان زن شاغل در این دفتر را داشت. کارمند مزبور به شدت مقاومت کرده و بلافاصله به نزد گودرز افتخار جهرمی شکایت می‌برد. اما ایسن شکایت بسی ثمر می‌ماند و احمدی همچنان در مسند ریاست دفتر پاریس به اعمال رذیله و خاثنانه خود ادامه می‌دهد.

نمونه دیگر: علی رهنمون یکی از مسئولین مالی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی است. این فرد فرصت طلب هر چند گاهی به اروپا سفر کرده و به بیان کارهای اداری در لاهه و دیگر پایتخت‌های کشورهای غربی، حاصل دسترنج مردم را خرج عیاشی هارویخت و پاشهای خود می‌کند. در سفری که او در اواخر سال ۶۲ به اروپا کرده بود تنها خرج تلفن از هتلهای درجه یک سر به چندین هزار دلار می‌زد. او یک شب که به شدت مست کرده بود تا صبح دم به دم به ایران تلفن می‌زد و از عیاشی‌هایش برای دوستان و آشنایان دور و نزدیکش تعریف می‌کرد. مخارج هنگفت همه این تلفن زدن ها جز مخارج ضروری و اداری منظور گردید.

همچنانکه گفتیم همه این افراد حزب اللهی‌ناب هستند و برای این که حزب اللهی بودن خود را به رخ حاکمیت بکشند، در دادگاه لاهه چماق‌کشی نیز میکنند. نمونه آن حمله به ماننارد قاضی سوئدی است.

برای رژیم بارز ساختن منش حزب اللهی در دادگاه از استیفای حقوق ملت، بیشتر اهمیت دارد. این که ثمره دسترنج زحمتکشان ایران و دارایی حاصل از چپاول ثروت‌های طبیعی کشور به راحتی از حلقوم امپریالیسم و ایادی آن یائین می‌رود چه باک؟! این که آبروی کشور می‌رود و نام ایران در مطبوعات امپریالیستی به سخره گرفته می‌شود چه اهمیتی دارد؟! مهم این است که حزب الله حضور خود را لاهه نیز نشان داده است!

حسن ختام

رژیم هراز چندگاهی از طریق عوامل خود ماجرای نظیر حمله به قاضی سوئدی بوجود می‌آورد و حول آن در داخل کشور جار و جنجال به راه می‌اندازد تا بروی خیانت‌های خود در دادگاه داری لاهه پرده استتار بکشد، تا کسی در نیابد که عاقبت موافقتنامه الجزایر به کجا انجامید. رژیم جمهوری اسلامی آنقدر وقیح است که هرگز نباید انتظار داشت روزی به شکست و خیانت‌ها و فضااحت‌های خود در مراجع بین‌المللی اعتراف کند. گردانندگان حکومت خیانتکار خمینی هنوز در کمال بی‌شرمی خود را بیروز جلوه داده و تنها بعضا از برخی سستی‌ها و کاستی‌ها سخن می‌گویند.

رژیم چندی پیش برای شکست‌ها و خیانت‌های خود در دادگاه لاهه توجیه جالبی تراشید، توجیهی مشحک که فقط توسل به آن از جمهوری اسلامی برمی‌آید. سرمقاله نویسن روزنامه اطلاعات که سلما یک آدم معمولی نیست در شماره ۱۱ اردیبهشت ماه پارسال این روزنامه اشکال کار را در آن دانست که در دادگاه لاهه شرع اسلام رعایت نمی‌شود! برای حسن ختام، عین نوشته این روزنامه را در زیر می‌آوریم:

"فرض کنید سیستم حقوقی و فقهی اسلام را در این دعوی حاکم می‌نمودیم، عمل بررسی را هم در یک کشور اسلامی قرار می‌دادیم، دست آمریکایی‌ها را می‌گرفتیم و می‌بردیم مثلا در گوشه حوزه علمیه نجف در عراق فردا و به زبان عربی و با اصطلاحات فقهی مباحثه حقوقی می‌نمودیم و هر سه داور بی‌طرف را هم از کشورهای اسلامی انتخاب می‌نمودیم، در آنصورت چه بسر آمریکایی‌های ما آمد!!!"

در هفته‌های اخیر، جهان با بزرگداشت چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری، خاطره جانبازیها و قهرمانیهای مردم شوروی و ارتش سرخ را گرامی داشت. "اکثریت" طی مقالاتی به این پیروزی تاریخ ساز و تاثیر سترگ آن در سرنوشت بشریت پرداخت. در رابطه با جنگ جهانی دوم، جنبه‌ای که برای

انقلابیون ایران منسوزیس از چهل سال، ارزش کنکاش و بررسی دارد، مبارزه ضد فاشیستی حزب توده ایران در همان ماهها و سالهای نخست فعالیتش است. در شرایطی که اغلب نیروها، عناصر و شخصیت‌های سیاسی ایران تحت

تاثیر سلطه استعماری کهن بریتانیا بر کشورها، امیدهای واهی به آلمان هیتلری بسته بودند، و در شرایطی که بر اثر چرخش دیکناتوری رضاخان به سوی همگامی و اتحاد با فاشیسم هیتلری، خطر هولناکی میهن ما را تهدید می‌کرد، کمونیستهای ایران یک تنه پرچم مبارزه با فاشیسم را برافراشتند. "مردم"، ارکان حزب توده ایران، در بدو آغاز فعالیت مطبوعاتی به عنوان نشریه ضد فاشیستی انتشار می‌یافت و به افشای عوامل و دوستان آلمان نازی و توطئه‌چینی‌های آنان در ایران می‌پرداخت. حزب توده ایران، از این تحلیل عمیق درست و علمی حرکت می‌کرد که خطر رسیدن نیروهای آلمان نازی به ایران از طریق قفقاز یک خطر جدی و واقعی است، خطری که در صورت به تحقق پیوستن، به معنای برپاشدن اردوگاه‌های مرگ در ایران، قتل‌عام آزادبخواهان و میهن‌پرستان و برقراری سلطه شوم و سیاه فاشیستی بر کشور بود.

در زمینه نقشه‌های آلمان نازی برای سلطه یافتن بر خاورمیانه و از جمله ایران، یک مقاله تحقیقی در شماره پنجم مجله "سویالیسم، تئوری و پراتیک" به چاپ رسیده است. در زیر بخشهای از این مقاله را می‌خوانید.

طرح حمله به ایران

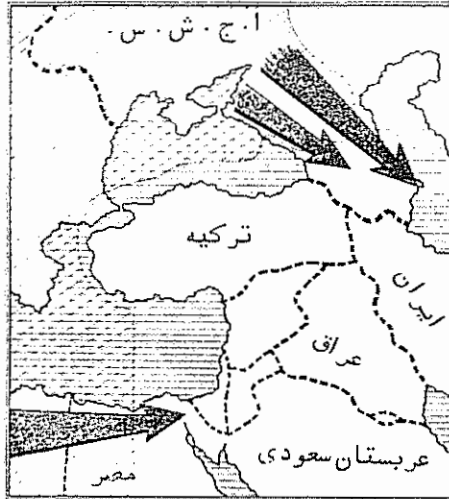
پس از تجاوز به اتحاد شوروی، آلمان نازی قصد داشت در همان آغاز سال ۱۹۴۲ (ژوستان ۱۳۲۰) به زیر سلطه درآوردن کشورهای خاور نزدیک و میانه را آغاز کند.

بخشنامه شماره ۲۰ ارتش هیتلری با نام رمز "خاورمیانه" که یک ماه پیش از حمله ناچرانمرده آلمان نازی به اتحاد شوروی نوشته شده است، به مقامات مسئول ارتش ماموریت می‌داد در کشورهای خاور نزدیک و میانه زمینه سیاسی و مواضع استراتژیک را برای امکان پذیر ساختن عملیات نیروهای نظامی از طریق ماورا قفقاز شوروی و با ترکیه آماده سازند. در رهنمود شماره ۲۲، این تمهیدات جنبه مشخص‌تری به خود گرفت. در این سند، پیشروی ارتش هیتلری از طریق قفقاز به ایران، ترکیه عراق، سوریه، فلسطین، ماورا اردن و سایر کشورهای منطقه خاور نزدیک پیش بینی شده و آماده بود: "امکان اعمال فشار شدید بر ترکیه و ایران چشم انداز را برای سودجستن مستقیم یا غیر مستقیم از این کشورها برای مبارزه با انگلیس بهبود می‌بخشد." در همین رهنمود، امکان "حمله گسترده... از ماورا قفقاز به داخل ایران" پیش بینی شده بود. فاشیستها در ادامه افزوده

بودند: "مرگه شکست اتحاد شوروی شرایط لازم را فراهم آورد، باید بکارگیری یک سپاه موتوریزه از ماورا قفقاز علیه ایران را در ارتباط با عملیات تدارک دید."

در یک سند سری دیگر آلمان هیتلری مورخ ۲۲مه ۱۹۴۱، به اقدامات لازم پس از حمله به

چهلمین سالگرد سرکوب فاشیسم نقشه‌های هیتلر برای تصرف ایران



این نقشه سمت پیش‌بینی شده برای حمله ارتش هیتلری، به منطقه خاورمیانه را نشان می‌دهد.

اتحاد شوروی اشاره شده است. نویسندگان سند خاطرنشان کرده‌اند که "باید در ترکیه، ایران، افغانستان، چین و ژاپن اقداماتی صورت گیرد تا این کشورها هرگونه مبادله با روسیه را متوقف سازند. علاوه بر این باید تبلیغات گسترده‌ای به راه افتد." آلمان فاشیستی به عوامل خود در ترکیه دستور داده بود تبلیغ کنند که روسیه همواره دشمن آشتی‌ناپذیر ترکها بوده است. در ایران و افغانستان، "اتحاد روسیه و انگلیس" موضوع این تبلیغات بود.

آلمان، ایتالیا و ژاپن در قرارداد ۱۸ ژانویه ۱۹۴۲ مناطق مختلف را میان خود تقسیم کرده و موافقت نمودند ارتش هر یک از این کشورها در مناقشه خود عملیات لازم را انجام دهد. "مرز منطقه پیش‌بینی شده برای آلمان هیتلری و ژاپن، از تاشکند کابل و غرب هند می‌گذشت (بدین ترتیب ایران جز "منطقه" آلمان بود).

دیپلماسی و آلمان هیتلری

برای هماهنگی عملیات در خاور نزدیک و میانه، ستاد ویژه "اف" به ریاست ژنرال نیروی هوایی، هلموت فلمی تشکیل شد. از جمله وظایف او این بود که با جنبش ضد بریتانیایی در کشورهای این منطقه تماس بگیرد، در این جنبش‌ها مواضع حساس را تصرف کند. فاشیستها روی تلاش اعراب برای پایان دادن به سلطه استعماری حساب باز کرده بودند، و از این رو شعار "استقلال و تمامیت کشورهای عربی" را می‌دادند.

آلمان نازی در سیاست خاورمیانه‌ای خود بر محافل بورژوا-وللاک و روحانی متکی بود و از نقش رهبری آنها در پیکار رهایی بخش ملی علیه امپریالیسم بریتانیا به سود خود بهره می‌گرفت. برخی مآدر جهان عرب نمی‌دیدند که در پشت شعارهای فاشیستی، فریب، توطئه و عوامفریبی پنهان

است... آلمان از این طریق موفق شد در میان بخش معینی از قشر فوقانی فتووال و بورژوا در کشورهای خاور نزدیک و میانه طرفدارانی پیدا کند که ایده "نظم نوین" هیتلری - فاشیستی در منطقه را می‌پذیرفتند. سیاست

امپریالیستی بریتانیا و سایر قدرتهای استعماری بطور عینی به رشد توهمات آلمانوفیل کمک می‌کرد و به زمینه‌های ایجاد جبهه ضد فاشیستی در کشورهای خاور نزدیک و میانه لطمه وارد می‌آورد... رهبری نظامی آلمان نازی شبکه پیچیده‌ای از عوامل خود در کشورهای خاور نزدیک و میانه به وجود آورده بود و بدین منظور، از کانالهای مختلف، از جمله کانالهای رسمی، سود می‌جست...

عقیم ماندن نقشه‌های فاشیستها

اواخر ژوئیه و اوایل اوت ۱۹۴۲ (تابستان ۱۳۲۱) نیروهای آلمانی بسوی قفقاز پیشروی کردند تا نه تنها ذخایر نفت اتحاد شوروی را تصرف نمایند، بلکه همچنین بر دریای سیاه سلطه کامل یابند. از این طریق فرماندهی ارتش آلمان می‌توانست با ارتش ترکیه (که ۲۶ لشکر آن در مرزهای اتحاد شوروی متمرکز یافته بود) برای تصرف منطقه خاور نزدیک و میانه تماس مستقیم برقرار نماید. عملیات ناموفق قفقاز ۱۵ ماه به طول انجامید. فرماندهی ارتش فاشیستی در این عملیات، واحدهای تانک و پیاده و واحدهای مخصوص کوهستانی را که در کوهها و بیابانها آموزش ویژه‌ای دیده بودند، بکار گرفت. در اوایل اوت ۱۹۴۲، شمار کل نفرات آلمانی در این عملیات به ۴۶۷۴۳۴ نفر رسیده بود. نبردهای قفقاز در طول جبهه‌ای به طول ۲۲۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر انجام گرفت. سربازان شوروی با قهرمانی و شجاعت، حمله دشمن را متوقف ساختند و بر آنها تلفات سنگینی (بیش از ۱۰۰ هزار نفر) وارد آوردند و فاشیستهارا به موضع دفاعی راندند. بدینگونه امیدهای ارتش آلمان در قفقاز برای همیشه نابود شد.

خلقهای خاورزمین از سرنوشتی که فاشیسم می‌خواست بدان دچارشان سازد، نجات یافتند. در این رابطه، پیروزیهای ارتش سرخ در استالینگراد (فوریه ۱۹۴۲) و قفقاز (اکتبر ۱۹۴۲) بیشترین اهمیت را داشت...

شکست عملیات قفقاز، امیدهای هیتلر را برای کشاندن ترکیه به جنگ علیه شوروی، متصل کردن نیروهای مستقر در جبهه آلمان شوروی به سپاه تحت فرماندهی رومل در شمال آفریقا و آغاز تجاوز به ایران، افغانستان و هند دفن کرد.

پیروزیهای ارتش شوروی در استالینگراد و قفقاز، خلقهای خاور نزدیک و میانه را از اسارت به دست فاشیسم آلمان نجات داد و به اوجگیری مجدد مبارزه آنان برای رهایی اجتماعی و ملی انجامید ●



جهان، کارزار ضد نیکار گوئه ای ریگان را محکوم می کند

دانیل اورتنکا رئیس جمهور نیکاراگوئه پس از یک سلسله دیدارهای رسمی از اتحاد شوروی، لهستان، مجارستان، رومانی، بلغارستان، چکسلواکی، آلمان دموکراتیک، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا به کشورش بازگشت. در این دیدارها، کشورهای میزبان بدون استثنا کارزار ضد نیکاراگوئه ای ریگان رئیس جمهوری آمریکا، و از جمله تحریم اقتصادی نیکاراگوئه توسط واشنگتن را محکوم، و اعلام کردند که هیچ اقدامی به نیکاراگوئه را ادامه و گسترش نخواهند داد. نماینده انقلاب نیکاراگوئه، به ویژه در کشورهای سوسیالیستی مورد استقبال شگرف قرار گرفت و دولت‌ها و مردم این کشورها به وی اطمینان دادند همچنان در برابر توطئه‌های امریکایی از این کشور کوچک امریکای مرکزی پشتیبانی خواهند نمود. حتی در کشورهای سرمایه داری عضو "ناتو" نیز، میزبانان اورتنکا مخالفت خود را با سیاست اعمال فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی که دولت نیکاراگوئه با آن روبرو است، ابراز نمودند.

به درخواست نیکاراگوئه، مسئله تحریم اقتصادی این کشور از سوی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت. در اجلاس شورای امنیت، همه سخنرانان به جز نماینده امریکا از اعلام تحریم اقتصادی نیکاراگوئه توسط ریتان انتقاد کردند. نمایندگان فرانسه، دانمارک، استرالیا و پرو سیاست تجاوزکارانه امریکا در منطقه امریکای مرکزی و اقدامات اخیر واشنگتن علیه نیکاراگوئه را رد کردند. تحریم اقتصادی اعلام شده از سوی کاخ سفید، به عنوان نقض حقوق بین الملل، به ویژه نقض اصول استقلال و حاکمیت ملتها، و نیز بعنوان به خطر افکندن امنیت بین المللی و ایجاد مانع در راه کوششهای گروه کشورهای "کوانتادورا" (شامل مکزیک، کلمبیا، ونزوئلا و پاناما) برای برقراری صلح در امریکا مرکزی، محکوم گردید. نماینده هند، بنام دولت این کشور و جنبش کشورهای غیرمتحد گفت سیاست زور، مداخله جویی و تهدید به استفاده از قهر نمی تواند به صلح بیانجامد.

الکترونیوسکی، سفیر شوروی در سازمان ملل، خواهان لغو فوری تصمیم اخیر امریکا و حل مسائل امریکای مرکزی از راه مسالمت آمیز شد. وی خاطر نشان نمود امریکا در حالیکه در مورد آفریقای جنوبی از اعمال مجازاتها اقتصادی جلوگیری می کند، در مورد نیکاراگوئه درست به خلاف آن عمل می نماید. همچنین نمایندگان مکزیک، لهستان، چین، کوبا، تانزانیا، الجزایر و برزیل بر همبستگی کشورهای خود با نیکاراگوئه تاکید ورزیدند. در خاتمه بحث، امریکا تنها توانست با سه "وتو" از تصویب قطعنامه ای در محکومیت سیاست خود در امریکا مرکزی جلوگیری نماید.

شدند. به گزارش مطبوعات هند، شرکت امریکایی بیونین کارباید در کارخانه بیوپال پژوهشهای محرمانه نظامی انجام می داد.

افشا اقدام تروریستی امریکاد در لبنان

هفته گذشته روزنامه "واشنگتن پست" نوشت یک گروه آموزش دیده توسط "سیا"، مسئول کشتار ۸۰ لبنانی بوده است. این عده در جریان انفجار بمب در برابر مسجدی در غرب بیروت که ۱۷ اسفندماه گذشته روی داد، جان خود را از دست دادند. روزنامه "واشنگتن پست" می افزاید "سیا" یک برنامه سری، برای آموزش گروههای تروریستی در لبنان را آغاز کرده است. سخنگوی وزارت خارجه امریکاکه از اظهار نظر مستقیم در باره این گزارش "واشنگتن پست" خودداری می ورزید متذکر شد که "تضمین امنیت پرسنل وزارت امور خارجه و شهروندان امریکایی در خارج وظیفه ای است که واشنگتن بیوسته برای انجام آن از همه اقدامات لازم بهره میکیرد". این موضعگیری، تایید غیررسمی محتوای گزارش "واشنگتن پست" محسوب می شود.

تظاهرات گسترده ضد دیکتاتوری در کره جنوبی

در کره جنوبی موج تظاهرات گسترده دانشجویی علیه رژیم امریکایی "چون دو هوان" به راه افتاده است. دانشجویان خواستار کناره گیری دیکتاتور و آزادی همه زندانیان سیاسی هستند. تظاهرات کنونی با پنجمین سالگرد سرکوب خونین قیام کنندگان شهر "کوانگ جو" مقارن است در آن هنگام (ماه مه سال ۱۹۸۰) چندین هزار نفر کشته شده بودند.

رژیم آفریقای جنوبی دو مبارز را زیر شکنجه به قتل رساند

انتقال یافته بود، ایراد ضربه به جمجمه مقتول را تایید کرد. همچنین "آندریس رادیتسلا"، از رهبران سندیکای کارگران صنایع شیمیایی، اندکی پس از آزادی از بازداشتگاه پلیس نژادپرست، در نتیجه ضربه ای که به مغزش وارد آمده بود، درگذشت. تشییع جنازه وی به تظاهرات چند هزار نفره علیه رژیم آپارتاید تبدیل شد.



تظاهرات مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم آپارتاید.

آمریکادرمه ماه ژوئیه سلاح فضایی خود را آزمایش می کند

روزنامه "واشنگتن پست" نوشت: امریکا قصد دارد در اواخر ماه ژوئیه اولین آزمایشهای سلاح ضد موشکی خود را علیه یک هدف واقعی انجام دهد. بدین ترتیب برنامه "جنگ ستارگان" ریگان وارد مرحله عملی خود می شود. لازم به تذکر است نظامی کردن فضا، دورجدیدی از مسابقه تسلیحاتی را خواهد گشود. اتحاد شوروی با نظامی کردن کیهان شدیداً مخالف است. این کشور در سال ۱۹۸۲ بطور یکجانبه متعهد شد که از استقرار سلاحهای ضد موشکی در فضا خودداری کند، و از همان هنگام تاکنون به این تعهد عمل می نماید، امریکابه پیشنهاد شوروی در این مورد پاسخی نداده است.

روز سه شنبه گذشته در وین پایتخت اتریش آندره گرومبیکو و جرج شولتز وزرای خارجه شوروی و امریکا به مدت شش ساعت درباره مسائل مربوط به محدود کردن مسابقه تسلیحاتی، سایر مسائل بین المللی و نیز روابط دو کشور دیدار و گفتگو کردند.

وضع سلامتی ۱۱ هزار مصدوم "بیوپال" وخیم است

"یوگندرا ماکوانا" وزیر بهداشت هند در پارلمان این کشور اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار نفر از کسانی که بر اثر نشت گاز سی در کارخانه متعلق به شرکت امریکایی "بیونین کارباید" در شهر بیوپال هند آسیب دیدند، در موقعیت وخیمی به سر می برند. بر اثر فاجعه ای که سوم دسامبر ۱۹۸۴ در این شهر روی داد، بیش از ۲۵۰۰ نفر از ساکنان بیوپال جان خود را از دست دادند و دهها هزار تن دیگر مصدوم جان خود را از دست دادند.

مصاحبه "اکثريت" با اعضای رهبری حزب کارگران اتیوپی

در شماره گذشته مصاحبه رفیق ابراهیم نقود دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را با روزنامه ارماتیته پیرامون تحولات اخیر این کشور درج کرده بودیم. رفیق ابراهیم نقود در آن مصاحبه بخشی از مشکلات بزرگی را که در راه تحولات دمکراتیک در سودان وجود دارد بازگفته است. سودان بحران زده نمرته کامل جامعه تحت سلطه ای است که راه رشد سرمایه داری و تبعیت از مباحث انحصارات امپریالیستی بر آن تحمیل شده است.

در مسایلی سودان، اتیوپی انقلابی جای دارد. مردم این کشور علیرغم میراث شوم فلاکت بازمانده از دوران هیولاسی و علیرغم مساائب مولناک طبیعی، تحت

رهبری حزب کارگران بنای زندگی نوینی را آغاز کرده اند. در چنین شرایطی مردم اتیوپی بیکاری شرک با دشواریها را به پیش می برند، انقلاب هر چه مستحکم تر میشود و همراه با افزایش ثبات و آرامش در کشور روند تحولات انقلابی شتاب میگیرد.

برای آشنایی با تحولات و موقعیت کنونی انقلاب اتیوپی خبرنگار اکثريت گفتگویی با رفیق روبرتو چنکاو، عضو کمیته مرکزی حزب کارگران اتیوپی انجام داد. این گفتگو با حضور رفیق تارکن مسئول تصمیمات عالی حزب صورت گرفت. در این مصاحبه این در رفیق به چند سؤال خبرنگار ما پاسخ گفتند. در زیر متن این گفتگو را می خوانید.

س: نظرتان در مورد وضعیت انقلاب اتیوپی و تاثیرات آن در منطقه چیست؟

چچگانو: همانگونه که مطلع هستید بیش از ده سال است که انقلاب اتیوپی به پیروزی رسیده است. عمده ترین و ثقیف ما در این دوران محو نژاد فئودالی و پی ریزی اقتصاد نوین بوده است، که در این راه علیرغم دشواری های موجود کامهای محکمی برداشته ایم.

داشته اند. چه آنها و چه آمریکا به سادگی از اتیوپی دست برنمی دارند. ما در طول تاریخ چند دهه خودمان با ۵ مورد خشکالی مواجه بوده ایم. و اصلا یکی از علل تسریع کننده انقلاب در اتیوپی خشکالی بوده است. ولی آنها می گویند با کنار هم گذاردن خشکالی و سوسیالیسم تبلیغات را علیه ما هدایت نمایند.

س: خواهش می کنم در باره دستاوردهای انقلاب و مشکلات اقتصادی ناشی از خشکالی اخیر توضیح دهید.

همه شما در مورد نقش و جایگاه رژیم سابق اتیوپی در منطقه در جهت پیاده نمودن مقاصد آمریکا، آگاه هستید. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در اتیوپی، آمریکا سعی نمود نقش پیشین اتیوپی را به کشور دیگری در آفریقا محول نماید. و در این راه تلاشهای بسیار نمود تا شاید مراکش، ژئری یا کشور دیگری بتواند این خلا را پر نماید. ولی هیچگاه موفق نشده است.

تارکن: بعد از انقلاب در سال ۱۹۷۴ با خشکالی بزرگی در کشور مواجه شدیم. پس از انقلاب سیستم فئودالی را در هم کوبیدیم. زمین ها را در اختیار آنها گذاشتیم. در این راه علیرغم صدمات اقتصادی سنگینی که در طول جنگ ۱۹۷۸ به ما وارد شد پیشرفت خوبی داشتیم، البته در سه سال گذشته در شمال کشور بخاطر شدت خشکالی از برنامه خود عقب افتاده ایم. ولی میرویم که یکبار و برای همیشه مسئله خشکالی را حل کنیم تصمیم داریم که مردم مناطق خشک استانهای اریتره و مجاور آنرا به مناطق غرب کشور که دارای امکانات کشاورزی است، کوچ دهیم. زمین از آن مردم است و باید از زمینهای مرغوب استفاده شود. بدین منظور هم اکنون شهرکهای زیادی با سرعت در غرب ساخته می شود.

مسئله بسیار مهم اینست که آمریکا نمی تواند هیچ کشوری را جایگزین اتیوپی نماید. و این شاید دقیقاً مانند نقشی است که ایران در زمان گذشته بعنوان ژاندارم منطقه داشته است. آمریکا این دوزندارم را از دست داد با این تفاوت که تحولات در ایران به سوی راست و در اتیوپی به سوی چپ گرایش یافت. در حال حاضر نقش ما در منطقه یک نقش محوری است. ما عامل ایجاد وحدت میان کشورهای عربی با کشورهای آفریقایی هستیم. مانع بسیار فعالی در حل اختلافات کشورهای آفریقایی داشته ایم.

علیرغم مشکلات کارهای بزرگی تاکنون صورت گرفته است. فقط یک مورد را بعنوان نمونه بگویم که در طول ده سال گذشته سالانه بطور متوسط ۲ میلیون کرسنه تغذیه شده اند.

برای ما موفقیت بسیار بزرگی بود که توانستیم علیرغم تلاش آمریکا و ارتجاع منطقه مسئولیت نوزد عمین کنگره وحدت آفریقا را بعهده بگیریم. با وجود مخالفت آمریکا، کشورهای وابسته به آمریکا نیز مجبور شدند رهبری این کنگره را توسط ما، بپذیرند.

س: جمهوری اسلامی ایران با تبلیغات و هیاهو اعلام نموده است که کمکهای خود را به اتیوپی ارسال نموده است علاوه بر این در رسانه های گروهی ایران کمک کشورهای سوسیالیستی به اتیوپی را ناچیز جلوه می دهند. نظرتان چیست؟

انقلاب اتیوپی تاثیرات ژرفی در منطقه برجا گذاشته است. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، ما با تهاجمات ضد انقلابی در اطراف خود مواجه شدیم. شما دیدید زیاد باره که زمانی خود را سوسیالیست می دانست چگونه در دام ارتجاع افتاد و امکانات زیادی در اختیار آمریکا گذاشت. اینک نیروهای آمریکایی از بند بر بره و پاپیگاه های دیگر استفاده می کنند.

تارکن: البته ما کمکهای ناچیز جمهوری اسلامی را دریافت نمودیم. ولی در مورد کمک های اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی باید بگویم که پس از انقلاب تاکنون لحظه ای سیل کمکهای این کشورها اعم از صنعتی، غذایی، نظامی و غیره قطع نشده است. آن جنجالها نشات گرفته از تبلیغات امپریالیستهاست. ما و اتحاد شوروی روابط بسیار نزدیکی با هم داریم و با کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی تاکنون توانسته ایم اقدامات زیادی انجام دهیم.

تاریخ نشان میدهد که اتیوپی همیشه برای استعمارگران حائز اهمیت بوده است. استعمارگران انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی در منطقه حضور

گردهمایی نمایندگان مردم افغانستان

همانگونه که قبلاً نیز در "اکثريت"، گزارش کردیم، از سوم تا پنجم اردیبهشت ماه مطابق یک سنت دیرینه، برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب شور افغانستان، اجلاس "جرگه بزرگ" در کابل برگزار شد. سنت برگزاری این گردهمایی نمایندگان اقوام و قبایل گوناگون کشور، به صدا سال پیش باز می گردد. چنین اجلاسی تنها در شرایط فوق العاده تشکیل می شود و باید در مورد مهمترین مسائل سیاست داخلی و خارجی دولت تصمیم گیری نماید. اسام "جرگه" بنا به تصمیم شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان تشکیل جلسه داد و مسائل مهمی در دستور کار بحث آن قرار داشت.

در سخنان شرکت کنندگان در این اجلاس، ضمن برشمردن دستاوردهای کشور طی هفت سال پس از انقلاب، مسائل ناشی از ادامه توطئه چینی نیروهای ضد انقلابی و حامیان خارجی آنها بررسی شد. این موضوعات در اسناد مصوبه نیز بازتاب یافت.

بعنوان نمونه، ضرورت حیاتی اتمام اصلاحات ارضی و آبی در سراسر کشور مورد تأکید قرار گرفت. این اصلاحات برای افغانستان اساس و پایه همه دگرگونیهای دمکراتیک به شمار می رود. سخنرانان با ذکر این ضرورت، درباره موانع راه تحقق این اصلاحات نیز اظهار نظر کردند. از دیگر مسائل مورد بحث، مبارزه با بیسوادی بود. موفقیتهایی که در این زمینه بدست آمده، مورد تقدیر قرار گرفت. در اسفند ماه ۶۲، که سال تصمیمی جدید آغاز شد، ۶۶۵ هزار کودک افغانی، یعنی تقریباً همه کودکانی که طبق قانون باید به مدرسه بروند، کلاسهای درس را پر کردند. دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بر آنست که بیسوادی را در شهرها تا سال ۱۳۶۵ و در سراسر کشور تا سال ۱۳۶۹ از بین ببرد.

"جرگه بزرگ" بخش زیادی از وقت خود را به مسائل سیاست خارجی، از جمله روابط افغانستان با کشورهای همسایه اختصاص داد. در اسناد مصوبه این اجلاس آمده است مردم افغانستان از سیاست خارجی صلح جویانه جمهوری دمکراتیک افغانستان پشتیبانی کامل به عمل می آورند. در "بیانیه سیاسی" مصوبه "جرگه"، خاطر نشان گردیده که افغانستان یک کشور غیر متعهد بوده و خواهد بود. گردهمایی یاد شده، مداخلات مستمر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه در امور داخلی افغانستان را محکوم کرده و خواستار تحکیم مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی شد.

AKSARIYAT
No. 57
MONDAY MAY. 20, 85
 Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!